

گردد این مذاکرات قدم دیگری برای رفع بحران خواهد شد» پس نتیجه این است که دولت شوروی با دولت انگلیس و آمریکا داخل مذاکره شود و نظریات آن دو دولت را که جلب نمود مانع مرتفع و نتیجه مطلوب حاصل میشود و اینکه اساسی هم از ایران برده اند برای این است که دولت ایران هم از حق تمامیت و حاکمیت خود که سران سه دولت تصدیق فرموده اند استفاده کند و قرار دادی که نمایندگان سه دولت تنظیم میکنند امضاء نماید. بعضی را عقیده آن است اگر جناب آقای کافنارادزه مقارن انعقاد قرارداد نفت بین شرکت های انگلیس و آمریکا تشریف آورده بودند چون آن دو دولت سهم خود رسیده بودند ناچار میشدند که بنوع شوروی هم سهمی بدهند. این نظریه را نمیتوان قبول کرد زیرا شاهد استقامت و زمامداری کسی میشد که هیچ قراردادی بر علیه ایران امضاء نکند. اکنون نمیتوان پیش بینی کرد که پس از انتشار نظریات روزنامه «تایمز» دولت شوروی چه رویه ای اتخاذ میکند. ظاهراً رویه دولت شوروی از سه حال خارج نخواهد بود:

اول - دولت شوروی با نظریه روزنامه تایمز موافقت کند، در صورت اتخاذ چنین تصمیمی آن دولت نفعی نبرده و سرمایه ای که سالها بدست آورده باخته چون هدف آن دولت این نبود که بقول خود باندول استعماری سازش کند و با کمک قوه آنها کسب امتیاز نماید هدف دولت شوروی این بود که حامی دول ضعیفه باشد و با آنها برای این که آزاد شوند کمک نماید موافقت دولت شوروی باندول استعماری روی اصل دفاع از دول محور بود، پس وقتی که دول محور دارند از بین میروند هیچ علتی ندارد که دولت شوروی آن اتفاق را برای کار نا مشروع تعویق نماید.

دوم - با متعین موافقت نکند در این صورت هر چه زودتر باید وارد معامله نفت شود و اینکار بطوریکه در منافع ایران و شورویست تمام شود و بدینا ثابت کند که غیر از خدمت بنوع بشر مقصودی ندارد و هیچوقت حاضر نیست که اعلامیه های تمامیت ایران و حق حاکمیت آن را که امضاء نموده و هنوز خشک نشده تخطی کند.

سوم - دولت شوروی از نظریه خود هتول نکند، در این صورت باید بدانند که با رضیت فعلی نمیتواند بطریق عادی نتیجه بگیرد آن روزیکه مجلس امتیاز داری را تمدید نمود در مملکت جنبنده ای نبود ولی امروز که مردم میتوانند قسسی بکشند و محرك تشس مصنوعی هم دارند سوای معدودی قح پرست کسی بدادن امتیاز رضا ندارد و قحط ایران نیست که نفع پرست در آن زیاد است، اگر دنیاز این جماعت پاك بود چرا کار عالم تا این درجه ناپاك بود، پس کسب امتیاز از مجاری عادی و قانونی علی نبشود و آنوقت است که مخالفین رژیم بگویند آنچه در کار نیست حرف حسابست. پس نتیجه این شد که اگر متعین باهم موافقت کنند با دولت ایران داخل مذاکره میشوند و دولت ایران هم که قرار داد را امضاء نمود همان جوابی که «فروغی» با حضور آقای «حسین علاء» بن داد بملت خواهد داد جواب مرحوم «فروغی» این بود که: «در مقابل ادعای دولت انگلیس راجع به خارجی که در آن جنك نموده من عقیده خود را بسفارت نوشتم مجلس آزاد است که آن را رد کند کما اینکه دکتر میلیچو هم عقیده شخصی خود بخارج مزبور را پرداخته مجلس آزاد است که آن را قبول نکند.» اگر دولتی هم آمد و امتیاز نفت داد قاعدتاً مجلس آزاد است که آنرا تصویب نکند ولی با این انتخابات و این اخلاق کدام مجلسی است که قرارداد را رد کند. ماهه امروز مثل مرحوم حسن پیرنیا (مشیرالدوله)



مرحوم محمدرضا فروغی (ذکاءالملک)

نخست وزیر داریم و نه مثل نمایندگان دوره اول تقنینیه و کیل که با قرارداد ۱۹۰۷ موافقت نکنند (رحمت الله علیهم اجمعین) پس ما باید کاری کنیم که خود را مواجه با چنین روزی نکنیم.

تقدیم طرح تحریم امتیاز نفت

چون نظریات من راجع به مخالفت با امتیاز در جلسه هفتم آبان مورد تصدیق اتفاق مجلس شد این است طرحی تهیه نموده‌ام که هیچ دولتی نتواند راجع بامتیاز نه مذاکره و نه قراردادی امضاء کند

و قطعاً بفروش نفت باهر دولتی که مشتریست داخل مذاکره شود و از آقایان محترم درخواست مینمایم قبل از اینکه متفرق شوند طرحی که پیشنهاد میشود تصویب نمایند و بدینا ثابت کنند که این مجلس غیر خواه ایران است. اینک طرح من:

مجلس شورای ملی ۱

از نظر حفظ مصالح مملکت امضاء کنندگان طرح قانونی ذیل را تقدیم و تصویب آنرا با دوفوریت درخواست مینمائیم:

ماده اول - هیچ نخست وزیر و وزیر و اشخاصی که کفالت از مقام آنها و بی معاونت میکنند نمیتوانند راجع بامتیاز نفت با هیچیک از نمایندگان رسمی و غیر رسمی دول مجاور و غیر مجاور و یا نمایندگان شرکتهای نفت و هر کس غیر از اینها مذاکره‌ای که اثر قانونی دارد بکنند و یا اینکه قراردادی امضاء نمایند.

ماده دوم - نخست وزیر و وزیران میتوانند برای فروش نفت و طرز آن که دولت ایران معادن نفت خود را استخراج و اداره میکند مذاکره نمایند و از جریان مذاکرات باید مجلس شورای ملی را مستحضر نمایند.

ماده سوم - متخلفین از مواد فوق بعسب مجرد از سه تا هشت سال و انفصال دائمی از خدمات دولتی محکوم خواهند شد.

ماده چهارم - تعقیب متخلفین از طرف دادستان دیوان کشور محتاج باین نیست که مجلس شورای ملی آنها را تعقیب نموده باشد و اجازه دهد دادستان مزبور وظیفه دار است که متخلفین از این قانون را بر طبق قانون معاکه وزراء مصوب ۱۶ و ۲۰ تیر ماه ۱۳۰۷ تعقیب نماید.

این بود طرح من و این فکر را در روز بعد از نطقی که راجع بامتیاز نمودم یکی از آقایان نمایندگان محترم که اجازه ندارم نامش را بگویم بن داد و آن روزها صلاح نبود

علت تقدیم طرح تحریم امتیاز نفت
 که پیشنهاد شود زیرادولتین آمریکا و انگلیس نیبخواستند با دولت اتحاد جماهیر شوروی
 راجع بکار نفت توجیه مساعی کنند و پیشنهاد چنین طرحی گذشته از اینکه بیطرفانه تلقی نشود
 مورد هم نداشت زیرا عدم موافقت متفقین سبب بود که دولت ایران داخل مذاکره نشود
 ولی امروز که قضیه دارد فرق میکند و امروز که روزنامه «تایمز» دولت شوروی را با اتفاق
 تصیحت میکند تصویب این طرح ضروریست. هیچکس نمیتواند غیر از مجلس در مال ملت
 دخالت کند، امروز مجلس با نظریات من راجع بن دادن امتیاز موافقت نموده و آنرا در صلاح
 ملت میدانند پس چه لزوم دارد که دولت امتیاز دهد و مجلس را در مقابل کارخانه یافته قرار دهند.
 ما نمیکنیم دولت را که در اینکار دخالت نکند و اگر روزی آمد که مجلس از این عقیده
 عدول کرد برای مجلس چه اشکالی دارد که این قانون را الغاء کند. تا مجلس متفرق و تحت
 تأثیر واقع نشده باید آنرا تصویب کنیم؛ هر گاه امروز اینکار نشد دیگر جلسه ای منعقد
 نخواهد شد که این طرح تصویب شود. نفت چیزی نیست که دولتهای بزرگ از آن صرف نظر کنند
 ما میگوئیم که تمامیت و حاکمیت ما را که خودشان تصدیق نموده اند نقض نکنند و اگر مقصودشان
 کشورگشایی نیست و فقط نفت میخواهند یا ما داخل مذاکره شوند و معامله نفت کنند ما نباید
 نماینده بزرگ دولت دوست و مجاور خود را دست خالی روانه کنیم و آن دولت را مجبور سازش
 بامتفقین کنیم. متجاوزان از صد سال ایران روی اصل «موازنه» استقلال خود را حفظ نمود و
 زمامداران بی اطلاع آن عصر میدانستند که سازش آنها برای مازیان است ولی وزیران امروز
 که قرارداد ۱۹۰۷ را مطالعه کرده اند چون همه ایمان و عقیده ندارند طالب دوام کارند
 باین اصل مسلم توجه ننمایند. هیچکس نمیتواند بگوید که نفت نباید استخراج شود و یا اینکه
 نفت شمال بجنوب برود و آنجا با آمریکا فروخته شود هیچکس نمیتواند منکر این اصل اقتصادی
 شود که هر قدر در استخراج و اداری و کرایه کم شود نفت بهتر میتواند در بازار بین المللی
 رقابت نماید و باز کسی نمیتواند منکر شود اگر دولت شوروی بامتفقین ساخت و موانع گرفتن
 امتیاز را از بین برداشت دیگر خریدار نفت نیست و استخراج نفت بدست خود محال است
 آنهایی که استخراج نفت را به بعد از جنگ محول میکنند غیر از اجرای مقاصد
 دیکتاتوران فظری ندارند. آقای نخست وزیر من عقیده خود را در مقابل خدا و وجدان گفتم
 و اگر تصور کنید شما و هیئت شما را خادم به سلطنت نمیدانم. شما باید با استخراج نفت بدست
 خود ما اهمیت بدهید و برای این کار وزارت خاصی تشکیل دهید و هر چه زود تریک وزیر صاحب
 عقیده و کاردان معین کنید و برای مردم بیکار تهیه کار نمائید که صلاح ما و متفقین در این است
 زیرا ما باید بین متفقین مجاور و دوست فاصله باشیم و صلح عالم را تأمین نمائیم. این طرحی است
 که تهیه شده است و از جوان های حساس مجلس خواهش نمودم بیایند این طرح را با امضای آقایان
 برسانند که این طرح رسمیت پیدا کند.

(طرح تقدیمی در مجلس با امضای عده زیادی از آقایان نمایندگان رسید)

نایب رئیس - اجازه میفرمائید آقای دکتر این طرح را مطرح کنیم ؟

دکتر مصدق - بلی این طرح است مطرح بفرمائید .

نایب رئیس - قرائت میشود :

مجلس شورای ملی ::

از نظر حفظ مصالح سلطنت امضاء کنندگان طرح قانونی ذیل را تقدیم و تصویب آنرا

با دوفوریت تقدیم مینمائیم :

ماده اول - هیچ نخست وزیر و وزیر و اشخاصی که کفالت از مقام آنها و یا معاونت

میکنند نمیتوانند ارجح بامتیاز نفت باهیچیک از نمایندگان رسمی و غیررسمی دول مجاور و غیرمجاور و نمایندگان شرکت‌های نفت و هر کس غیر از اینها مذاکراتی که (۶) آنرا قانونی دارد بکنند و با اینکه قراردادی امضاء نماید .

ماده دوم - نخست وزیر و وزیران میتوانند برای فروش نفت و طرزی که دولت ایران معادن نفت خود را استخراج و اداره میکند مذاکره نمایند و از جریان مذاکرات باید مجلس شورای ملی را مستحضر نمایند .

ماده سوم - متخلفین از مواد فوق بحسب مجرد ازشه تا هشت سال و انفسال دائمی از خدمات دولتی محکوم خواهند شد .

ماده چهارم - تعقیب متخلفین از طرف دادستان دیوان کشور و محتاج باین تبست که مجلس شورای ملی آنها را تعقیب نموده باشد و اجازه بدهد . دادستان مزبور وظیفه داراست که متخلفین از این قانون را بر طبق قانون مجازات و وزراء مصوب ۱۶ و ۲۰ تیرماه ۱۳۰۷ تعقیب نماید .

نایب رئیس - فوریت اول این طرح مطرح است. آقای طباطبائی.

محمد طباطبائی - برای اظهار مخالفت با این طرح چون ارتجالاً و در غیر موقع عادی به مجلس آمد علاوه بر آنکه مطرح شدنش برخلاف نظامنامه است (جمعی از نمایندگان نیست) بنده ناچارم که بخود طرح مراجعه کنم و از خود طرح استدلال کنم باینکه فوریتش

صحیح نیست برای اینکه خود طرح بنظر من تطبیق با اصول و قوانین نمیکند و لافکاری که باید بکنیم این است که از فوریتش صرف نظر کنیم - اولاد و اسل از قانون اساسی را میخوانیم که آقایان توجه بفرمایند که اگر این طرح تصویب بشود بنظر من مخالف قانون اساسی است (بعضی از نمایندگان - چرا؟) باید اجازه بدهید صحبت کنم تا عرض کنم . اینکه عرض کردم برخلاف قانون اساسی است دلیلش اینست که يك قسمت از این طرح بموجب قانون اساسی تحصیل حاصل است (فرهودی - تکرار آن است - شما باید در فوریت صحبت کنید) عرض کردم برای اینکه توجه بفرمایند چرا فوریت این لایحه صحیح نیست باید از خود لایحه استدلال کنم و دلیل دیگری ندارم والا دلیل دیگری ندارم - دلیل خود این لایحه است خود این طرح دلیل بر این است که صحیح نیست چرا؟ برای اینکه يك قسمت آن بموجب قانون اساسی تحصیل حاصل است و اگر مجلس شورای ملی باین طرح رأی داد قانون اساسی را شما لااقل (جمعی از نمایندگان - تأیید کرده اید) آقا قانون اساسی تأیید لازم ندارد ...



آقای طباطبائی مجدد نماینده
سزوار در مجلس ۱۴

نایب رئیس - آقایان اجازه بفرمایند که صحبتشان را بکنند بعد موافق بیاید جواب بدهد .

محمد طباطبائی - آقایان اصول را باید مانگه‌داریم و نباید بایک اعمال و یک رفتار خاصی ما اصول را متزلزل کنیم برای آینده . حالا این دواصل را بنده میخوانم شاید آقایان يك خرد بیشتر با بنده مواظت بفرمایند .

۱ - قانون اینطور تصویب شده : مذاکراتی که صورت رسمی و اثر قانونی دارد بکند و با اینکه قراردادی امضاء نماید

اصل ۲۳ - بدون تصویب شورای ملی (البته مقصود مجلس شورای ملی است) امتیاز تشکیل کبانی و شرکت های عمومی از هر قبیل و بهر عنوان از طرف دولت داده نخواهد شد .

اصل ۲۴ - بطن عهدنامه ها و مقاوله نامه ها، اعطای امتیازات (انحصار) تجارתי و صنعتی و فلاحتی و غیره اهم از اینکه طرف داخله باشد یا خارجه باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد اصول دیگر هست که صریحاً مؤید این مطلب است که دولت بدون اجازه مجلس شورای ملی اگر دست به ترکیب مطالبی زد که مربوط بمقاوله نامه ها و قراردادهای و امتیاز نامها بود بدون تصویب مجلس شورای ملی اصلاً اثر قانونی ندارد اینک در این طرح نوشته شده است که : هیچ نخست وزیر و وزیر و اشخاصی که کفالت از مقام آنها و یا معارفت میکنند نمیتوانند راجع بامتیاز نفت با هیچیک از نمایندگان رسمی و غیر رسمی دول مجاور و غیر مجاور و یا نمایندگان شرکت های نفت و هر کس غیر از اینها مذاکراتی که اثر قانونی دارد بکنند و یا اینکه قراردادی را امضاء نماید . باین عرض بنده توجه فرمائید که اگر در گذشته و حال و آینده دولتی وارد مذاکره باشد یا یک دولتی یا نماینده یک کبانی خارجی و بخواهد با آنها یک قرارداد به بندد و بخواهد امتیازی بدهد این عمل او که اثر قانونی ندارد (صحیح است) بموجب قانون اساسی هم مطابق این اصولی که خواندم اثر قانونی ندارد اینجا شما تازه میخواهید بعد از اصول مسلم و مصرحه قانون اساسی قانون بگذرانید که قوت قانونی و اثر قانونی ندارد مثل اینکه تا حالا داشته است ، مثل اینکه در این مطلب بخصوص که راجع به نفت است اگر از این مقوله بگذریم در سایر موارد اگر دولت بدون اجازه و تصویب مجلس شورای ملی کاری کرد مثل اینکه اثر قانونی دارد و حال اینکه در آن قسمت ها هم اثر قانونی نداشت و ندارد . این یک مطلب دیگر این است که (حالا مجموع عرایض من دلیل بر این است که اگر آقایان اجازه بدهند از فوریت لایحه صرف نظر بشود) در ضمن این طرح شما اجازه میدید که دولت برود قرارداد راجع بفروش نفت به بندد (بعضی از نمایندگان - خودش خیر با اجازه مجلس شورای ملی) مطلب این است که دولت بیاید با من خریدار وارد مذاکره و قرارداد فروش نفت بشود این قسمت هم بنظر من قدری دقیق است و اگر دقیق باشید و توجه بکنید باین عرایض من بر میخورید باینکه ضمناً با تصویب این طرح شما اجازه داده اید که دولت برود عمل نفت را انجام بدهد و وارد مذاکره شود و صحبت کند و قرارداد فروش به بندد - من نمیگویم که این به مصلحت مملکت نیست ولی شایان دقت است و باید مطالعه کرد که به نیتیم آیا صلاح هست که یک چنین اجازه ای را بعولت بدهیم یا نهیم . از لحاظ قضائی هم در این طرح نیتانم ملاحظه کرده اید یا نه ؟ برای متخلفین مجازات قائل شده اند از سه سال تا هشت سال حبس و جلایه محرومیت دائم از حقوق اجتماعی - این مسئله هم قابل دقت است این طرح باید برود به کمیسیون دادگستری و از لحاظ قضائی باید در این امر توجه شود حالا این دفعه داده شد نیتانم که میشود این را تطبیق با اصول و موازین قضائی کرد یا نه (فاطمی - چه مانعی دارد ؟) من نمیگویم مانعی دارد ولی حتماً قابل دقت و مطالعه است و باید مطالعه کرد . بنابراین با این توضیحاتی که عرض کردم بدون اینکه در اصل طرح بخواهم حالا مخالفت بکنم یا موافقت (برای اینکه هنوز وارد مواد نشده ایم) با توجهی که آقایان بعرایض من بکنند باید آقایان موافقت کنند که این طرح را ما می پذیریم یا کمال مسرت و اگر آقایان موافقت کردند خود بنده هم موافقت میکنم ولی یک طرحی است که دفعه داده شده است فعلاً از فوریت آن صرف نظر بشود و برود بکمیسیونهای مربوط و از لحاظ

قضائی و از لحاظ اصول در این دقت بکنند و تطبیق بکنیم با موازین قانونی و مخصوصاً اگر این معایبی را کہ اشاره کردم با اصول صدمه نرزد آنوقت کہ جریانش را طی کردی باید بجلس شورای ملی و تصویب شود.

جمعہ از نمایندگان - رای رای

نایب رئیس - رای میگیریم بفوریت اول این طرح پیشنهادی آقای دکتر مصدق آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. فوریت دوم مطرح است (مخالفی نیست) رای میگیریم بفوریت دوم آقایانیکہ مواظقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. طرح پیشنهادی مطرح است مذاکرہ در کلیات است.

جمعہ از نمایندگان - مخالفی نیست وارد مواد شویم.

نایب رئیس - مادہ اول مطرح است. قرائت میشود.

مادہ اول - هیچ نخست وزیر و وزیر و اشخاصیکہ کفالت از مقام آنها و یا معاونت میکنند نمیتوانند راجع بامتیاز نفت با هیچیک از نمایندگان رسمی و غیر رسمی دول مجاور و غیر مجاور و یا نمایندگان شرکتهای نفت و هر کس غیر از اینها مذاکراتیکہ اثر قانونی دارد بکنند و یا اینکه قراردادی امضاء نماید.

نایب رئیس - آقای کاظمی

کاظمی - موافقم

نایب رئیس - آقای دکتر آقایان (حاضر نبودند) آقای دکتر عبدہ

دکتر عبدہ - بندہ موافقم ولی یک اشکالی دارد میخواهم عرض کنم اصلاح شود.

بعضی از نمایندگان - پیشنهاد بدهید.

نایب رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم

نایب رئیس - آقای فرهودی

فرهودی - موافقم

نایب رئیس - آقای دکتر کیان (حاضر نبودند) آقای مهندس فریور

مهندس فریور - موافقم

نایب رئیس - آقای سیف پور

سیف پور - موافقم

نایب رئیس - آقای دکتر معظی

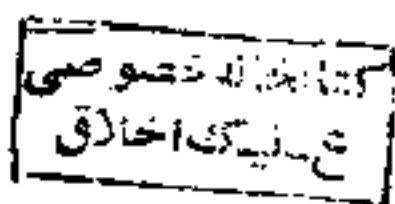
دکتر معظی - موافقم

نایب رئیس - آقای فاطمی

فاطمی - موافقم

نایب رئیس - آقای طہرانچی

طہرانچی - بندہ یک نظری دارم و نظرم را ناچارم بشنوان مخالفت عرض کنم. بندہ اساساً با این مادہ مخالف نیستم ولی یک نظر اصلاحی دارم (پیشنهاد بدهید) اول باید توضیح عرض کنم بعد پیشنهاد میدهم. اینکه اینجا نوشته شده است مذاکرہ کہ اثر قانونی داشت باشد حق ندارد بکنند «مذاکرہ» کہ اثر قانونی ندارد و من حریف این قسمت را پیشنهاد میکنم چون هیچ مذاکرہ ای در دنیا اثر قانونی نخواهد داشت مکن است مبادلتہ یک مراسلہ



نظریه آقای کاظمی

اثر قانونی داشته باشد ولی مذاکره تنها اثری ندارد، اثر قانونی ندارد باین جهت بنده پیشنهاد خواهم کرد که این قسمت حذف شود.

نایب رئیس - آقای کاظمی

مهندس فریور - حال که پیشنهادی نداده اند که مذاکره شود. مذاکره وقتی است که پیشنهاد ایشان مطرح شود.

نایب رئیس - ایشان فعلاً پیشنهادی نداده اند ولی چون بعنوان مخالف صحبت کردند باید یک نفر موافق جواب بدهد.

کاظمی - بنده اجازه می‌خواهم قبل از اینکه عرایضم را عرض کنم بنام ملت ایران و بنام نمایندگان ملت ایران از نبوغ آقای دکتر مصدق سپاسگذاری کنم و از شخص ایشان



آقای کاظمی نماینده کرمان در مجلس ۱۴

هم غیر از این انتظاری نبرفت که در این موقع یک چنین خواه حلی که برای نجات ملت ایران است پیشنهاد کرده اند. اما نظریه آقای طهرانیچی می‌فرمایند متأسفانه توجه فرموده اند که در قسمت سیاست مخصوصاً در این اواخر معمول و متداول شده است که یک مذاکره را از سر اتخاذ سند می‌کنند و آن را پایه یک تعهداتی قرار می‌دهند البته از نظر اهمیت موضوع از نظر فوق العاده بودن این مسئله و این مشکلاتی که در مقابل ما عرض اندام میکند راجع باین مسئله نفت قانون خواسته است که از مذاکره در آنهم جلوگیری کند که این ذخیره ملی را برای خود ملت ایران باقی بگذارد و به همین مناسبت است

که این نکته را ذکر فرموده اند که اگر این نکته را از اینجا برداریم آن منظور اصلی و اساسی بدست نخواهد آمد و سالی مطالب دیگر بقدری واضح و روشن است که اگر مخالف دیگری هست باید صحبت کند آنوقت جواب داده شود والا فعلاً مطالب کاملاً روشن است.

نایب رئیس - آقای دکتر ادمش

دکتر ادمش - بنده در یکی از جلسات که جناب آقای دکتر مصدق هم بآن اشاره کردند تا آنجائیکه مقدور بود راجع به موضوع نفت اظهار عقیده کرده ام و در آنجا یک جمله ای گفته ام که معمولاً وقتی که ذکر میشود آن جمله گفته نمیشود من گفتم که ما عقیده داریم که تمام منابع ثروت ایران باید بدست ایرانی استعراج بشود در این جمله اسم نفت را نیاردم و بعد اضافه کردم که اگر این مورد مورد استثنائی است آقای نخست وزیر در این موضوع شتاب زدگی نکنند چون در آنوقت بنده ورقایم اطلاع پیدا کرده بودیم که مذاکرات یک مرحله بسیار باریکی کشیده است، حتی تمام شرایط قبول شده است و شرایط هم همان شرایط قرارداد درسی است بعد از این ها هم چیزیکه با رسیده بود تأیید شد خود آقای نخست وزیر سابق، ساعد در یک جلسه اینکه در وزارت امور خارجه تشکیل شده بود و در حدود بیست نفر آقایان نمایندگان حضور داشتند و بنده هم افتخاراً حضور داشتم ایشان فرمودند یک مذاکره در جریان بود، بعد ما متوجه شدیم پیشنهاداتی که با داده اند این پیشنهادات هیناً همان پیشنهادات درسی است و لازم بود که ما چهل سال منتظر باشیم و باز

قرارداد درسی

هم يك امتیازی بدیم که عیناً آن شرایط در آن درج شده باشد. بنابراین بطور کلی همان طوری که در آن جلسه عرض کردم شنا بزدگی و عجله در تصویبات اساسی دولت نیست، بنده اصولاً با طرح پیشنهادی آقای دکتر مصدق راجع باین موضوع شاید مخالف نیستم، ولی چون مطالعه کافی نکرده ام و نیت دارم که جواب این تصمیم ما چه خواهد بود، این است که می خواهم از آقایان اجازه بخواهم و همچنین از آقایان خواهش بکنم که در این مورد وقت بیشتری بکنند، پس از ذکر این مقدمه اینجا چند ماده ذکر شده است.

نمایندگان - ماده اول مطرح است.

دکتر ادمش - ... در کلیات میشود صحبت کرد.

نایب رئیس - در ماده اول است.

دکتر ادمش - در ماده اول نوشته شده است هیچ نخست وزیر و وزیر و اشخاصی

که کفالت از مقام آنها و یا معاونت میکنند نمیتواند راجع بامتیاز نفت یا هیچیک از نمایندگان رسمی و غیررسمی دول مجاور و غیر مجاور و یا نمایندگان شرکتهای نفت و هر کس غیر از اینها مذاکراتی که اثر قانونی دارد بکند و یا اینکه قراردادی امضاء نماید بنده گمان میکنم این ماده را لازم ندارد، الزامی نیست ما برای اینکه این قبیل مذاکرات همان طوری که گفته شد هیچ اثر قانونی ندارد، بلکه دولتی میآید یا يك شرکتهای با يك دولت دیگر يك سلسله مذاکرات میکند این مذاکرات هیچ نوع جنبه قانونی ندارد تاموقعی که بتصویب مجلس شورای ملی برسد ما برای این قضیه سوابق زیادی داریم بارها اتفاق افتاد که دولت ها آمدند، صحبتهایی کردند، تصویباتی گرفتند، معاهده ها امضاء شد، قرار داد ها را امضاء کردند، بعد مجلس شورای ملی تشکیل شد و آن قرار دادها و معاهدات را لغو کردند (یکی از نمایندگان - اصلاً تصویب نگردید) تصویب نگردید بنا بر این، این ماده را بنده هیچ لزومی برای ذکر آن در این طرح نمی بینم چون این اصل قانون اساسی است و تازه این جا جایش نیست که ما قانون اساسی را تفسیر بکنیم و ما قانون اساسی را نمیتوانیم کوچکترین تغییری درش بدیم فقط يك حقی برای ما قائل شده اند و آن تفسیر قانون اساسی است و ما هم که اینجا نمیخواهیم تفسیری در قانون اساسی بکنیم (نمایندگان تأکید در قانون اساسی است) تأکید هم از بنده و جنابعالی نخواستند که تأکید بکنیم، مخصوصاً در اینجا ذکر شده است که هر کس غیر از آنها مذاکراتی که اثر قانونی دارد بکند حتی نباید مذاکره کرد، اساساً من نیت دارم نخست وزیر چگونه این را اجرا میکند برای يك نماینده شرکتهای که میآید اول اگر راجع بامتیازات حرف بزنند... (یکی از نمایندگان البته باید مذاکره بکند) ... بعضی اینکه وارد شد بگوید حرف نزن (همه نمایندگان) ... البته من نیت دارم چه طوری است ولی این قضیه برای نخست وزیران يك اشکالاتی فراهم میکند و مخصوصاً از این لحاظ که در یکی از این مواد برای چنین نخست وزیر جرمی تعیین شده تعیین شده است، که اگر حرف زد ولو اینکه دانسته یا ندانسته باشد، بعضی اینکه مذاکره شروع شد جرمی را مرتکب شده است و از سه سال تا سه سال باید حبس شود، بنده تصور میکنم که که این لایحه خیلی با عجله تهیه شده است و ما هم اگر با عجله چنین تصویبی بگیریم شاید صلاح نیست بنده بسیار خوشوقتیم و اگر رأی موافق ندهم اقلاً رأی منتهی خواهم داد ولی میترسم که این لایحه با بعضی از موازین قانونی یا بعضی از مصالح ملی موافقت نداشته باشد و ما بدون اینکه در این موقع نکات را متوجه باشیم يك تصویبی بگیریم که بعد از آن تصمیم مجبور بانصراف یا متأثر بشویم این است

که بنده راجع بنده اول عقیده ندارم و عقیده ام این است که اساساً هیچ لزومی ندارد، چون این ماده اگر جنبه قانونی داشتن مذاکرات رئیس دولت است، رئیس دولت اصلاً مذاکراتش جنبه قانونی ندارد تا وقتی که بتصویب مجلس شورای ملی برسد و این اصل قانون اساسی است بنا براین دیگر ماده اول لزومی ندارد حالا مواد دیگر وقتی که مطرح شد عرایض خودم را عرض میکنم.

بعضی از نمایندگان - رأی رأی

نایب رئیس - چند نفر از آقایان اجازه خواسته اند.

دکتر شفق - بنده اخطار نظامنامه دارم.

نایب رئیس - راجع بچه موضوع.

دکتر شفق - راجع به این موضوع.

نایب رئیس - اگر راجع به موافق و مخالف صحبت کردن است در این مورد

صحیح نیست.

دکتر شفق - بنده تصور میکنم این تعبیری که راجع به این طرح شد بوجوب ماده

آئین نامه مجلس برخلاف رأی نویسنده این پیشنهاد است، اجازه میخواهم از طرف آقای دکتر که این را عرض میکنم و اما این که فرمودند که جنبه قانونی ندارد مذاکرات آقای نخست وزیر و بوجوب این طرح ممنوع میباشد که هیچگونه مذاکره نکند مقصود این نیست که يك نخست وزیر کلمه نفت را بهمانش نیاورد و چراغ نفتی روشن نکند، چنین حرفی نمیگویند، البته اگر يك مأمور خارجی وارد شود با آقای نخست وزیر دو ساعت هم راجع به نفت و استخراج آن و میدان ایران صحبت کرد هیچ مانعی ندارد ولی ایشان فرموده اند که قانونی نداشته باشد، یعنی چه؟ یعنی نخست وزیر نگوید



آقای دکتر شفق نماینده تهران در مجلس ۱۳

جمله بشود، مطرح بشود مذاکرات ثبت بشود، امضاء بشود، تصور میکنم منظور ایشان این است یعنی ثبت مذاکرات و امضاء کردن صورت مجلس و امثال اینها که ممکن است اثر قانونی داشته باشد این نسبت ها را بوجوب این طرح منع کرده اند.

نایب رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات

دکتر کشاورز - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم

نایب رئیس - بکفر صحبت کرد.

دکتر کشاورز - ایشان بعنوان اخطار نظامنامه صحبت کردند.

بکفر از نمایندگان - آقای دکتر با کفایت مذاکرات مخالفند.

نایب رئیس - بکفر مخالفت کرد پس معلوم می شود که باید بیشتر از بکفر

صحبت بکند.

دکتر کشاورز - معلوم می شود که نباید صحبت کرد عجله رأی و صحبت دست

شما است.

نایب رئیس - مخالف نظامنامه است ولی بسته بنظر مجلس است .

دکتر کشاورز - نظر مجلس موافق است .

نایب رئیس - اشکالی ندارد بفرماید .

دکتر مصدق - اجازه میفرماید ؟

دکتر کشاورز - بنده بعد از آقای دکتر مصدق عرایضم را عرض میکنم .

دکتر مصدق - من موافقم . بعد صحبت میکنم .

دکتر کشاورز - قبلاً شما بفرماید .

دکتر مصدق - راجع بنذاکراتی که اثر قانونی داشته باشد آقای دکتر شفق

توضیحاتی فرمودند ، مقصود من این است که نخست وزیران يك مذاکراتی را که اثر قانونی داشته باشد نکنند مخصوصاً آقایان میدانند که نخست وزیران غالباً به سفارت خانه ها میروند ، این را بنده خودم دیده ام که دو-فارتخانه هالز مذاکراتی که میشود «پرانوراکت» میکنند یعنی «اتخاذ سند» مینمایند و هیچکس هم بیک سفارتخانه نمیتواند بگوید که چرا مذاکرات يك وزیر را نوشته و تراکت بین المللی هم اجازه نمیدهد اگر خلافی بنویسند تکذیب شود ، بدیهی است مذاکرات وزیر در سفارتخانه اثر قانونی ندارد ولو اینکه در باب نفت ده ساعت هم صحبت بکند و وعده بدهد که من امتیاز نفت را به شما میدهم این مذاکرات رسیت نخواهد داشت ، ولی اگر در وزارتخانه کاری بکند که اثر قانونی داشته باشد نه اینکه حرف باشد البته قابل مجازات است . و اما اینکه فرمودند این عین قانون اساسی و محتاج بذکر نیست و ذکر مجازات هم لازم نیست باید دانست که هر عملی مادام که از طرف قانونگذار نهی نشده مباح است مثل اینکه قانون جزا هر فعلی را که نهی میکند مجازاتی هم باید باشد مطابق اصل «نولا پناسین لک» يك مجازاتی که برای يك عملی نوشته نشده نمیشود کرد و عقاب بلایان جایز نیست باید قانون گذار يك چیزی را که نهی میکند يك سانسکیونی هم برای آن معین کند ، آنوقت است که از عمل نهی احتراز میکنند و اگر قانون گذار نهی نکرد آنکار مباح است و اگر نهی کرد و سانسکیونی معین نکرد اثری ندارد بنابراین ناچار هستیم هم نهی بکنیم هم برای وزیر مجازات معین بکنیم که هیچ وزیری قادر نباشد و بداند اگر کرد مجازات دارد . در این قسمت آقایانیکه مخالفت میکنند بقیده من تجربیاتشان کم است ، سلکت ما آقا خیلی تعولات پیدا کرده ، شما میدانید که در این مملکت گاهی مدتها مجلس منعقد نشده است ، مسکن است یکوقتی يك دولتی بیاید روی کار و موافق باشد با دادن امتیاز استخراج نفت و مجلس هم منعقد نباشد و امتیاز را بدهد و بعد هم شروع کند ، دهسال هم طول بکشد و وقتی هم که مجلس باز شد بعد بمجلس بگوید اینطور شد ، قرارداد و توثق الدوله را که بنا بود بتصویب مجلس برسد این قرارداد را يك سیاست دیگر ازین برد ، چرا ملتفت مسائل نیستید . آمدند يك قراردادی گذرانندند ، من از شما خواهش میکنم که این عرایض مرا با کمال خیر خواهی تلقی بکنید ، من غیر از خیر مملکت نظری ندارم . قرارداد و توثق الدوله گذشت ، اگر سیاست شوروی نبود ، اگر قرارداد ۱۹۲۰ ایران و شوروی نبود ، اگر آن رفتار شوروی نبود بنده قسم میخوردم که قرارداد و توثق الدوله تقض نمیشد مسکن نبود تقض شود . يك سیاست دیگری آمد قرارداد و توثق الدوله را تقض کرد ، من همیشه با کایت و توثق الدوله مخالف بودم ، من همیشه بدولت دیکتاتوری معترض بودم ، مخالفت من با توثق الدوله برای قرارداد بود که بواسطه قرارداد شوروی «تئوریکنان» از بین رفت ولی «پراتیکان» در این مملکت عمل شد ماهر روز يك حکم پیدا میکند ،

ممالك ضعيفه همچوقت قادر بتعادل سياست خودشان نيستند ، اين ممالك بايد هيئت يك حربه داشته باشند تا دول مجاور را گربخواهند استفاده هائي بكنند آن حربه بكار برده شود. اين پيشنهادي را كه بنده دادم يك حربه است براي دولتها - وقتي كه مجلس شوراي ملي قدغن - كرد كه در باب امتياز نفت با هيچ دولتي مذا كره نشود هيچ دولتي مذا كره نيكند و اگر يك دولتي بيايد و قادر بشود كه اين قانون را در مجلس الفاء بكنند اين خيلى طول دارد و بنده ميخواستم اين مسئله در مجلس شوراي ملي ثابت بشود و اين مجلس كه نمايندگان ملت هستد امروز راي بدهند كه هيچ دولتي حق «دادن» امتياز نفت را ندارد و همچكس حق «مذا كره» راجع بامتياز نفت را ندارد. اين نفت را بايستي خودمان استخراج بكنيم ، ما امتياز بده بچكس نيستيم ، اين نظر مجلس است ، پس همچنطور كه ميگويم امتياز نيمدهيم ؛ همين طور به آقاي بيات عرض ميكنم آقاي بيات شما مكلف هستيد كه هر چه زود تر قرارداد «فروش نفت» را با هريك از دولتي كه ميخواهند ، در جنوب يا دولت طالب نفت و در شمال يا دولت طالب نفت منعقد كنيد و ترتيب استخراج نفت را هم بهر شكلي كه ميدانيد بنهيد ، ما بايد يك وزارت نفت داشته باشيم ، وزارت نفت را با يك آدم و يك وزير لايق و صحيحي كه در رأس آن وزارت خانه باشد تشكيل بدهيم و اين كار را هر چه زود تر عملي كنند كه هم براي بيكارها در اين مملكت كار نپيه شود و هم دول مجاور ديگر اين پنبه را از گوش خودشان خارج بكنند ، از اين مملكت امتياز نخواهند .

نائب رئيس - آقاي دکتر کشاورز
دکتر کشاورز - بنده با طرحي كه
آقاي دکتر مصدق بمجلس شوراي ملي
تقديم کرده اند فعلا موافقت يا مخالفتي
نيکنم .

دکتر مصدق - موافقت كنيد ، اقتدار
شماست كه موافقت كنيد .

دکتر کشاورز - يك نكته را بايد
با آقا بيان نمايندگان عرض كنم و آن اين
است كه موافقت يا مخالفت يك نماينده
با يك طرحي بايد بعد از بدست آوردن
يك مسأله است كافي انجام بگيرد ، اگر
براي يك نماينده كاملا واضح نشده
باشد كه قانوني كه در يك موقع معين
با شتاب بردگي از مجلس گذشت اثرات
آن قانون چيست وظيفه نمايندگي خود
را انجام نداده البته بايد نمايندگان
فرصت بدهند كه حرف موافقت و مخالفت
را بشنوند و بعد براي خودشان يك
عقيده اتخاذ كنند و وقتي كه آن عقيده
اتخاذ شد ميتواند موافقت يا مخالفت



آقاي دکتر کشاورز نماينده پندر بهلوي در مجلس ۱۷

خود را بصلاح‌ملت ایران ابراز نمایند آنوقت است که با طرح آقای دکتر مصدق موافق - میشود، یا مخالف آن طرح خواهد بود. بنده الآن خدا را شاهد میگیرم همین الآن که اینجا هستم میدانم که این طرح بعد از تصویب برای ملت ایران مفید است یا نه، من میدانم ولی برای آقای دکتر مصدق ممکن است مسجل شده باشد، البته ایشان وقت داشته اند و وقتیکه این را مینوشته اند لابد چند روز مطالعه کرده اند دلایل مخالف و موافق را پیش خودشان مجسم کرده اند و اینطور در نظر گرفته اند که این طرح به مصلحت مملکت و ملت ایران - است ولی بنده هم که يك نماینده هستم و يك برادر كوچك شما حساب ميشوم در عرض يك ربع نمیتوانم راجع به يك طرح باین مهمی الان اتخاذ تصمیم بکنم، الان پیشنهاد میکنم به آقایان نمایندگان مجلس شورای ملی اگر این موضوع را مهم میدانند هیچکس از ما از مجلس شورای ملی خارج نمیشویم و شما هم توی مجلس شورای ملی اجازه بدهید که فراكسیونها مانرا تشکیل بدهیم، يك قدری یا هم مذاکره بکنیم، يك خورده فکر بکنیم و به بینیم که این صلاح ملت ایران هست یا نه - آنوقت با اعتمادی که آقایان به خدمتگذاری و غیر خواهی و وطن پرستی آقای دکتر مصدق دارند اظهار نظر بنایند ما تنها کسی بودیم که تابعال باشما آمد در صد موافق بودیم و همیشه با شما رای داده ایم و ضمناً در نخست وزیری جنابانی هم اگر مواظت نکردیم، ما مخالف نخست وزیری شما نبودیم آقایان نمایندگان هم شاهدند، هیچ بار از ذهن ما در جلسات خصوصی مخالفتی با نخست وزیری شما ابراز نشده و حتی نسبت به آن نظری که خود جنابالی فرمودید ما میترسیدیم که مبادا در مجلس شورای ملی کسانی باشند که بخواهند شما را از مجلس شورای ملی خارج کنند و راجع به این طرح تا بحال ما و بعضی از نمایندگان دیگر شاید باشیم که هنوز نتوانسته ایم تصمیمی اتخاذ بکنیم و بفهمیم که آیا صلاح ملت ایران این است که بر له یا بر علیه طرح شما رای بدهیم عرض کنم اگر میل دارید قرار بگذارید که از مجلس شورای ملی خارج نشویم تا کار این قضیه را تمام کنیم.

دکتر مصدق - اگر شما ضرر کردید من جبران میکنم (خنده نمایندگان)
نمایندگان - رای بگیرد آقای.

نایب رئیس - اجازه فرمائید صحبتشان که تمام شد رای میگیریم.
دکتر کشاورز - پنج دقیقه اجازه فرمائید، اجازه بدهید بدون خارج شدن از مجلس شورای ملی فراكسیونها در مجلس تشکیل شود و ما این طرح را بگذاریم جلومان با دقت بخوانیم، شما این طرح را هنوز با تعداده آید که بخوانیم ممکن است در عبارات این طرح اشتباهاتی وجود داشته باشد که بعد از تصویب اسباب اشکال شود. البته همه شمارا شخص و وطن پرستی میدانند ولی عقل کل که نیستیم ممکن است که يك اشتباهاتی هم کرده باشید اجازه بدهید اثر مطالعه بکنیم و تا این طرح تصویب نشود از مجلس شورای ملی خارج نخواهیم شد.

نایب رئیس - رای میگیریم بکفایت مذاکرات آقایان مواظب قیام فرمائید؟ (اکثر برخاستند) تصویب شد.
 پیشنهاداتی راجع به اول رسیده است که همه متشابه هم هستند راجع بامتياز و استعراج اگر اجازه فرمائید همه یکدفعه خوانده شود.
پیشنهاد آقای مراد آریه :
 بنده پیشنهاد میکنم کلمه استعراج بعد از کلمه امتياز اضافه شود.
مهندس فریور - در کدها، عبارت ماده را بکنده دیگر لفظ فرمائید.

نظر به: آقایان طهرانی، فرهودی، دکتر عبده.
 (عبارت ماده اول بشرح سابق قرائت شد)
 مهندس فریور - بنده مخالفم.
 نایب رئیس - پیشنهاد آقای جمال امامی قرائت میشود:
 پیشنهاد میکنم، در ماده اول بجای «امتیاز نفت» - «امتیاز استخراج نفت»
 قید شود.

نایب رئیس - آقای جمال امامی.
 جمال امامی - منظور آقای دکتر هم همین بوده است اجازه بدهید پیشنهادات
 مشابهی هم هست خوانده شود.
 نایب رئیس - پیشنهاد آقایان هاشمی و نهرانچی قرائت میشود:
 پیشنهاد میکنیم: جمله «اثر قانونی دارد» حذف شود.
 مهندس فریور - بنده مخالفم.
 نایب رئیس - آقای هاشمی.
 هاشمی - بنده اصراری ندارم با توضیحی که آقای دکتر دادند بنده
 مسترد میدارم.

نایب رئیس - آقای طهرانی.
 طهرانی - اجازه فرمایید بنده يك توضیح دیگری عرض کنم، آقای دکتر مصدق



در این موضوع فرمودند که ممکن است يك مذاکره ای
 وزیر در وزارتخانه یا در سفارتخانه بکند و آنها
 اتخاذ سند بکنند و ممکن است که ثبت شود، اگر
 ما بخواهیم این را اثر قانونی برایش قائل بشویم
 که اگر يك وزیري يك وعده کرد و آن ثابت کرد -
 باشند و بعد اظهار کردند که مائت کرده ایم و فلان
 وزیر فلان جا فلان وعده را بجا داده است و اگر
 این مذاکرات بشود و ما برای این يك اثر قانونی
 قائل بشویم بنده عقیده ام این است که در گذشته
 ضرر کرده ایم و در آتی هم ضرر میکنیم و بنده عقیده -
 دارم که ثبت مذاکرات يك وزیري در يك
 سفارتخانه دارای هیچ رسیت و اثر قانونی نیست

آقای طهرانی این اما بنده طهرانی در مجلس ۱۴

چه در سابق وجه در آتی چه ثبت شده باشد وجه ثبت نشده باشد (صحیح است) اگر بخواهید
 بگویند وعده ممکن است داده شود برای وعده هم اثر قانونی نیست که يك وزیر مختاری
 بگویند بن وعده داده اند این هم اثر قانونی نخواهد داشت پس این جمله مذاکره ای که
 اثر قانونی داشته باشد مبترسم حضرت آقای دکتر مصدق که يك ضرری متوجه ما بکنند (امینی -
 اثر رسی بنویسند) البته بنده با اثر رسی موافقم و همان پیشنهاد بنده را «اثر رسی» بکنید.

نایب رئیس - پیشنهاد آقای فرهودی

پیشنهاد میکنم بجای اثر قانونی نوشته شود «اثر وعده ای یا عهدی»

نایب رئیس - آقای فرهودی.

فرهودی - نظر آقای دکتر مصدق (که البته نظر همه ما هم که این طرح را امضاء

کرده ایم همین بود) این بود که يك مذاکره‌ای نشود که تولید يك تعهدی برای دولت ایران بکند و این تعهد دو صورت دارد یا بصورت وعده است یا بصورت تعهد است و البته يك وزیر نمیتواند مذاکره بکند کسی بکند که اثر قانونی داشته باشد قطعاً وزیر میتواند وعده بدهد یا ندهد بنده پیشنهاد کردم که هیچ وزیری نمیتواند مذاکره‌ای بکند که در نتیجه آن مذاکرات تولید وعده یا تعهدی بکند و این عین نظر آقای دکتر مصدق است. ما اگر مسئله اثر قانونی را گفتیم دچار يك اشکال میشویم و مثل این است که مرکز قانون گذاری را منتقل کرده ایم بدولت و گفته ایم که دولت میتواند مذاکره ای بکند که اثر قانونی داشته باشد.

نایب رئیس - بنظر بنده با اضافه کردن اثر رسمی اشکال رفع میشود. آقای دکتر عبده هم همینطور پیشنهاد کردند. پیشنهاد آقای دکتر عبده:

پیشنهاد میکنم در ماده اول طرح پیشنهادی بجای عبارت «مذاکره‌ای که اثر قانونی دارد بکند» گذاشته شود «وارد مذاکرات رسمی الزام آور بشود».

مهندس فریور - الزام آور که بیچوجه نیست.

دکتر عبده - الزام آورش را بزنید.

نایب رئیس - آقای دکتر عبده.

دکتر عبده - همانطور که آقای دکتر مصدق فرمودند از نظر قانون اساسی تا يك امتیازی بتصویب مجلس نرسد البته اثر قانونی ندارد ولی از نظر مذاکره‌ای که بین دولت و یا بین دولت و يك شرکتی میشود آن مذاکرات بقول انگلیسیها «جنتلمنز آگرمنت» است و يك مذاکره‌ای که ممکن است از نظر بین المللی يك تأثیری برایش قائل شوند بنا بر این ما نمی توانیم بگوئیم هیچ مذاکره ای نشود ولی مذاکره را بایستی طوری بکنند که ایجاد وعده و تعهدی نکنند این قسم مذاکره رسمی است و با این عبارت نظر تمام آقایان تأمین میشود.

نایب رئیس - آقای دکتر شفق.

دکتر شفق - بنده يك کمی تعجب میکنم آقایانیکه اینجا تخصص در حقوق دارند اشکال میکنند ولی مطلب بنظر من واضح است (دکتر عبده - برای اینکه اطلاع دارند آقای



آقای دکتر عبده نماینده
تهران در مجلس ۱۴

دکتر) کلمه «اثر قانونی» عبارت نیست از خود قانون، اثر قانونی ندارد یعنی بیچوجه تعهدی و الزامی درش نباشد، طرف اتعاذ سند نکند؛ منظور این نیست از اثر قانونی داشتن که شخص وضع قانون بکند ایشان خواستند يك کلمه نوشته باشند که هم رایج است و هم جامع است که منظور را برساند و الزام هم نداشته باشد و هم وعده نداده باشد، هم تعهدی نداشته باشد، طرف هم ترتیب اثر و رسمیتی نتواند بدهد، هر صحبتی که جزئی رسمیتی داشته باشد میتوانیم آن را بگوئیم که اثر قانونی دارد مثلاً خود قانون مراحل دارد وقتی مجلس وارد مذاکره ای میشود مثل حالا هنوز قانون وضع نشده است ولی این مذاکرات يك اثر قانونی دارد. ایشان میخواهند این را برسانند که نه صورت مجلس در کار باشد نه طرف اتعاذ سندی بتواند بکند و نه يك جلسه رسمی منعقد خواهد شد، هیچکدام اینها نخواهد بود و بقیه بنده

نظر به ایرج اسکندری و مهندس فریور
این نکته ای که آقای تهرانچی فرمودند موضوعی که در قانون اساسی هست و باک این هست که
اگر بگویم فلان مطلب اثر قانونی ندارد مثل این است که تمام مذاکرات دیگر اثر قانونی
دارد هرگز وارد نیست ما اینجا با این جمله متن قانون اساسی را تأکید کرده ایم بنی
موکداً بکده دیگر میگویم که هیچ اثر قانونی ندارد بنده هیچ معظوری در این قانون
نمی‌دانم - الزام آور هم کافی نیست در تحت کلمه «اثر قانونی»، نام این معانی هست خواهش میکنم
مواقت بفرمائید همین شکل بگردد.

دکتر عبده - اجازه میفرمائید؟

نایب رئیس - مواقت با نظر ایشان یا مخالف.

دکتر عبده - بنده با پیشنهاد خودم مواقت طبیعی است.

نایب رئیس - پیشنهادی هم آقای مهندس فریور کرده اند همه اینها مشابه هست
پیشنهاد میکنم نوشته شود: «صورت رسی و اثر قانونی ندارد».

هاشمی - «دارد» باید باشد. «مذاکراتی که صورت رسی و اثر قانونی
دارد بکند».

مهندس فریور - صحیح است «دارد».

ایرج اسکندری - بنده اختصار نظامنامه دارم.

نایب رئیس - راجع بچه ماده است بفرمائید.

ایرج اسکندری - طبق ماده ۷۷ نظامنامه

داخلی مجلس: «طرح یا لایحه قانونی که فوریت
آن تصدیق شده باشد قطدریک نوبت درباره آن
شور میشود و در این شور بنوا درباره آن بطور
کلی و در بهر طرف مباحث میشود پس از آن در باب
صلاحیت مذاکره فرداً در مواد آن رئیس از مجلس
کسبهای مینماید» - ما خواستیم راجع بکلیات
صحبت کنیم گفته در ماده اول است؛ میشود در کلیات
صحبت کرد؛ در فوریت هم که نگذاشتند صحبت کنیم
راجع بکلیات هم که رأی گرفته نشده بنده خواهش
میکنم این اصلاح شود اول راجع بکلیات رأی گرفته
شود و بعد راجع بجزئیات.

نایب رئیس - عرض کنم راجع بکلیات رأی

گرفته نشد ولی ایراد آقای ایرج اسکندری هم

وارد نیست در کلیات مذاکره شد مجلس تقریباً

موافق بود و مخالفی نبود چون در کلیات مخالفی نبود و تئیه بود در مواد رأی گرفتیم تصویب
شد که وارد مواد بشویم خلا پیشنهاد آقای مهندس فریور مطرح است. آقای مهندس فریور.

مهندس فریور - بنده پیشنهاد کردم که این کلمه نوشته شود برای اینکه هر وزیر
یا نخست وزیری با هر کسیکه خواست صحبت بکند مذاکرات بکند بتواند ولی مذاکراتی
نباشد که صورت رسی و اثر قانونی داشته باشد.

نایب رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد آقای مهندس فریور آقایان بیکه مواقت
قیام فرمائید (اکثر فریاد نمودند) تصویب شد. پیشنهاد آقای دکتر آقایان:



آقای ایرج اسکندری - مهندس فریور
در مجلس ۱۳

پیشنهاد میکنم ماده اول اینطور تنظیم شود :

ماده اول - استخراج و بهره برداری نفت منحصرأ متعلق بدولت ایران است و هر گونه نقل و انتقال این حق ممنوع است .

مهندس فریور - این را ممکن است آقایك طرح دیگری پیشنهاد بفرمایید یا نرود .
فراضا کنیم مطرح شود - این غیر از آن است .

نایب رئیس - آقای دکتر آقایان .

دکتر آقایان - عرض کنم ما چه میخواهیم ؟ مقصود آقای دکتر مصدق این است که

از اسباب زحمت نجات خلاص بشویم حقیقت قضیه این است وقتی که اینطور است اگر ما خواستیم يك عملی بکنیم که مطابقت کامل با اصول اقتصادی امروزه دنیا داشته باشد خیلی بهتر از این خواهد بود که ما بیاییم يك مجازاتی برای وزراء قائل بشویم . راجع بامور اقتصادی از چهل سال با بشطرف يك مكتب اقتصادی مخصوصی هست که کارهای بزرگ اقتصادی ملکت بایستی منحصر بدولت یعنی ملت باشد . پریروز در فرانسه قانونی گذراندند و يك قسمت عیده کانهای ذغال را ملی کردند تا سونالیزه کردند از صاحبانش پس گرفتند بنا بر این برای اینکه کسی نتواند ایراد کند که چرا ما میخواهیم این قانون را بگذرانیم بهترین قانونی که در این موقع میتوان گذراند این است که استخراج و بهره برداری نفت متعلق به دولت ایران باشد .



دکتر آقایان نماینده ارمنه
جنوب در مجلس ۷۳

جمعی از نمایندگان - البته هست آقایان نخواهد .

فداکار - این توهین است آقایان .

نایب رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقای دکتر آقایان (بعضی از نمایندگان - پس گرفتند آقایان) . پیشنهاد آقای دکتر اعتبار :

پیشنهاد میکنم در ماده يك بعد از کلمه نفت کلمه « و معادن دیگر » هم اضافه شود .

نایب رئیس - آقای دکتر اعتبار .

دکتر اعتبار - سایر معادن ایران هم حائز اهمیت کافی است و اگر نظر آقایان باشد چندی قبل حمله ای شده بود بیک دسته که آمده بودند برای گرفتن امتیاز معادن این است که بنده تقاضا میکنم این کلمه را علاوه کنید که بیطرفی هم کاملاً واضح و ثابت باشد و ضمناً در آنجائی که مینویسد : مذاکراتی که اثر قانونی داشته باشد بقیده بنده اگر مکاتباتی هم پیش اضافه شود بهتر است .

بعضی از نمایندگان - مذاکره که ممنوع شد اعم است از مکاتبه .

نایب رئیس - آقای هاشمی .

هاشمی - هر چند خیلی از ظهر گذشته است و وقت منقضی شده است بنده بایستگاه آقای دکتر اعتبار موافق نیستم موضوع مبتلابه الآن نفت ما است و ما نباید اینقدر تصعب داشته باشیم که هر چه داریم دست بگذاریم رویش و برای خلفان هم تا پانصد هزار سال باقی بگذاریم امروز هم با قدر دست بگریبان باشیم (دکتر اعتبار - کی گفت دست بگذارید رویش)

اجازه بدهید وقت هم گذشته عرضم را بکنم این طرحی است که بناست احتیاج مبرم جناب



آقای هاشمی نماینده کرمان در مجلس ۱۴

آقای دکتر مصدق پیشنهاد فرمودند اکثریت هم روی خوشی نشان میدهند تصویب آن - خوب است تکمیل بر مابین مرحمت خودشان را و پیشنهاد کمتر بدهند و همان طرحی را که ایشان نوشته اند و مطالعه کرده اند تصویب کنند و در مقابل اگر اقلیتی هم هست مطابق همه جای دنیا در دادن رأی آزاد است و تشعشع با اکثریت است .

ایرج اسکندری - بنده از همه زودتر پیشنهاد کردم این تبیض عجیبی است .

نایب رئیس - رأی میگیریم ؟
پیشنهاد آقای دکتر اعتبار (بعضی از نمایندگان - کدام پیشنهاد؟) آقایان اگر خودشان توجه نمیکنند و باعث شلوغی و بی نظمی مجلس میشوند

تعمیر بنده نیست پیشنهادها خوانده میشود آقایان توجه نمیکنند آنوقت به بنده ایراد میکنند - اگر میخواهید مجلس منظم باشد آقایان هم توجه داشته باشند . آقایان با پیشنهاد آقای دکتر اعتبار موافقت قیام فرمایند (عده کمی قیام نمودند) تصویب نشد . آقای ایرج اسکندری حذف ماده را پیشنهاد فرموده اند این قانونی نیست وقتی که باصل ماده رأی گرفته میشود اگر رأی داده نشد خود بخود حذف شده است .

ایرج اسکندری - بنده اخطار نظامنامه دارم .

نایب رئیس - فرمایید باختصار .

ایرج اسکندری - طبق ماده ۴۲ نظامنامه داخلی و اصل ۴ قانون اساسی بسایه طرحهای قانونی که در مجلس مطرح میشود با حضور وزیر باشد و چون هنوز وزیر رأی اعتماد بهشان داده نشده بنابراین هیچیک از وزرا در اینجا رسمیتی ندارند و این طرح قابل طرح در مجلس نیست .

نایب رئیس - آقای دشتی .

دشتی - بنظر بنده اگر امروز این طرح تصویب نشود تعمیر مواظبت است نه تعمیر مخالفین؛ خود آقایان مواظبت هم پیشنهاد میکنند و وقت مجلس را میگیرند و یک سیر کنستانتها و یک وضعیت پیدا شده است که نمیگذارند کاری بکنیم . طرحی است آقای دکتر مصدق پیشنهاد کرده اند، عده ای هم امضا کرده اند حالا می بینیم چه ها بهانه گیری میکنند می فرماید . اما واجب است که باید وزیر باشد یا نباشد ابدأ . لزوم ندارد وزیر باشد اگر مربوط یکی از وزرا باشد این امر طبیعی است که باید دفاع کند ولی این امر مربوط بوزارتخانه ای نیست و بیلاوه صاحب مملکت و عامل مهم کارهای مملکت

مجلس شورای ملی است این دیگر حضور وزیر را لازم ندارد (صحیح است)

نایب رئیس - رأی میگیریم بساده اول با اصلاح آقای مهندس فریور آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (اکتر قیام نمودند) تصویب شد ساده دوم:



آقای دشتی نماینده تهران
در مجلس ۱۴

ماده دوم - نخست وزیر و وزیران میتوانند برای فروش نفت و طرزی که دولت ایران معادن نفت خود را استخراج و اداره میکند مذاکره نمایند و از جریان مذاکرات باید مجلس شورای ملی را مستحضر نمایند.

نایب رئیس - آقای تهرانچی مخالفید فرمائید.

تهرانچی - برای اینکه حضرت آقای دکتر مصدق بذل نوجویی بکنند بنده آمدم پشت تریبون، اینجا در ماده دوم در این طرحی که تهیه فرمودید میگوید دولت میتواند راجع بفروش مذاکره بکند و مجلس شورای ملی را از نتیجه مذاکرات آگاه بکند - بکوقت ممکن است فروش طوری باشد که بگوید من فلاحتدر فروختم که در فلان مدت تحویل بدهم اگر تحویل ندادم توجع داشته باشی خودت بیائی استخراج کنی، همه اطراف را باید

نگاه کرد برای معامله و بنده خیال میکنم برای فروش و برای معامله خود دولت میتواند مذاکره بکند و مانعی ندارد و عقیده بنده ذکر این ماده لازم نیست زیرا اینجا در این ماده ابد آیش یعنی نشده است که دولت مکلف باشد این کار را بکند میگوید دولت میتواند این کار را بکند راجع بفروش مذاکره کند خوب ما که در ماده قبل نپس کرده ایم که حق مذاکره راجع بامتیاز ندارد، حق فروش نفت را دارد البته نفت که استخراج شده باشد میتواند وارد مذاکره فروش شود و مطابق قوانین بین المللی بفروشد بعقیده بنده در این طرح ما محتاج نیستیم این ماده را ذکر بکنیم بهین جهت بنده حذف این ماده را میخواهم پیشنهاد بکنم اگر ما این را بنویسیم بکوقت ممکن است دچار اشکال بشوند مثلا یک فروشی ممکن است مجازاتش این باشد که اگر نتوانستید در فلان مدت مثلا سالی چندین میلیون تن تحویل بدهند خریدار حق داشته باشد استخراج کند یا او حق دارد فلان کار را بکند و بعقیده بنده اگر این ماده را بگذاریم در اینجا چون برای فروش مذاکره کردن و از مذاکره خودش مجلس را مطلع کردن مانعی نیست ممکن است یک فروش باشد که اگر انجام نشد خود او میتواند بیاید انجام بدهد و استخراج کند و این نقض فرض میشود با آن نظری که شادارید پس بهتر است این ماده را برداریم -

نایب رئیس - آقای دکتر مصدق.

دکتر مصدق - بنده خواستم عرض کنم که چقدر فرقی است بین آن ملتی که بسبب میبازد آنجا و از جا حرکت نمیکند و این مجلس که یکساعت غذایش دیر شده و تک تک میروند (بعضی از نمایندگان - نمیروند) بالاخره بنده تصور میکنم مجلسی از اکثریت بیفتد ما آقا باید رشد سیاسی داشته باشیم - رشد سیاسی معنایش این نیست که در مجلس یک قانونی که میآید هزار پیشنهاد بهمیم و این کار ثابت خواهد کرد که در مجلس شورای ملی هر وقت قانونی می آید همیشه باید در تحت امر یک دیکتاتوری باشد یعنی هیچوقت حرفی نزنیم، یعنی ما یک دوره ای واقع شده ایم اینطور و یک دوره آنطور بود که یک قانون بان مهمی مسئله

امتیاز نفت که آمد در مجلس دوفتر بیشتر صحبت نکردند در دونوبت و امتیاز نفت مدت سی و دو سال برش اضافه شد و از مجلس گذشت ولی امروز را من پیشنهاد میکنم امتیاز نفت به کسی داده نشود اینقدر درش پیشنهاد داده میشود که این پیشنهاد نگذرد بنده چه میگویم اولاً در ماده اول اینطور نوشته شده است که دولت حق ندارد مذاکره را چه با امتیاز نفت بکند (بعضی از نمایندگان - آن تصویب شد) در ماده دوم نوشتم دولت میتواند برای فروش مذاکره بکند مقصود اینست که سوء تفاهم نشود بین ما و دول خارجی که امتیاز تسلیح و مذاکره هم نمیکنیم ولی اینکه نوشتم دولت مکلف است و میتواند این برای این است که اگر بگویم دولت باید این کار را بکند شاید یک طرفی نباشد که این تقاضی را بکند و آنوقت دولت یا او مذاکره بکند پس ما بدولت یک فاکتور ای دادیم و دولت با ما مجاز کردیم اگر کسی آمد خواست تقاضای خرید نفت را بکند دولت با او داخل مذاکره بشود بیاید یک چنین ماده ای نوشته شده باشد و حذف این هم مورد ندارد این عقیده صریح مجلس شورای ملی است برای فروش نفت نسبت به سایر از دول مجاور (صحیح است).

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

محمد طباطبائی - بنده مخالفم یا کفایت مذاکرات.

نایب رئیس - بفرمائید.

محمد طباطبائی - عرض کنم نه آن اندازه باید معطل کرد و نه این اندازه باید

عجله کرد - اینجا در ماده دوم میگوید:

بعضی از نمایندگان - آقا راجع به کفایت مذاکرات بفرمائید.

محمد طباطبائی - آخر راجع باینکه آیا کافی است یا کافی نیست باید دلیل عرض

کنم و دلیلش در این ماده دوم است چون ماده دوم مطرح است آقایان باید اجازه بفرمائید

که لااقل دوفتر از آقایان صحبت بکنند آقای طهرانچی صحبت کردند آقای دکتر مصدق

هم جواب دادند برای این که غنی که شما میخواهید بفروشید اصلاً یعنی چه؟ فروش در یک

چیز موهوم که اصلاً وجود ندارد چه معنی دارد (بعضی از نمایندگان - سلف بفروشند) آخر

چیز موهوم را که نشود سلفه فروخت...

جمعی از نمایندگان - موهوم نیست.

نایب رئیس - آقایان اجازه بدهید صحبت کنند.

طباطبائی - استخراج نفت اولاً موکول به آزمایش های علمی و فنی است که فقط

آزمایش چندین سال طول میکشد، مخارج هنگفتی میخواهد و وسایل و ماشین آلات زیادی

میخواهد (مهندس فریور - داریم آقا) بعد از آزمایش میرسد با استخراج و بعد از استخراج

آنوقت شما متاهی دارید که بتوانید بفروشید یا بفروشید بنظر من ماده اول هم جامع بود

و هم مانع و حاوی همه نظریات آقای دکتر مصدق و من خیال میکنم که اگر از دو ماه بعد صرف

نظر بشود به سلحت است من آمدم اینجا عرض کردم که فوریت این لایحه صحیح نیست و

دلیلش هم همین است که خود آقای دکتر مصدق شریف آوردند اینجا و شکوه کردند که

اینهمه پیشنهادات برای چیست و خود این دلیل بر این است که آقایان توجه نفرمائید بیک

مطلبی که حقیقت دارد و صحیح است.

نایب رئیس - رأی بکفایت مذاکرات میگیریم آقایان مواظب قیام فرمائید (اگر

قیام نمودند) تصویب شد چند نفر - ششاد - سداس -

پیشنهاد آقای مهندس فریور :

پیشنهاد میکنم نوشته شود : این مذاکرات مادام که با اطلاع و تصویب مجلس نرسیده است هیچگونه رسیتی نخواهد داشت .

نایب رئیس - آقای مهندس فریور .

مهندس فریور - عبارتی که موجب مخالفت آقای تهرانچی شد این بود که آخر



عبارت اخیر جمله یکقدری نارسا بود. ماده دوم این بود که نخست وزیر و وزیران میتوانند برای فروش نفت و طرزی که دولت ایران معادن خود را اداره میکند مذاکره کند و از جریان مذاکرات مجلس شورای ملی را مستحضر نمایند بنده بعوض اینکه از جریان مذاکرات مجلس شورای ملی را مستحضر نمایند نوشتن مادام که این مذاکرات با اطلاع و تصویب مجلس نرسیده است بدیهی است رسیت ندارد باین جهت بنده خیال میکنم آقای تهرانچی هم از مخالفت خودشان منصرف شوند .

آقای مهندس فریور نماینده تهران در مجلس ۱۴

نایب رئیس - آقای شریعت زاده .

شریعت زاده - آقای نایب رئیس در آن ماده اول بنده اجازه ندانند بنده عقیده خودم را عرض بکنم آن هم که تصویب شده است صحیح نیست زیرا هیچ مذاکرات مقدماتی



نسبت بکارهای ملت ایران رسمی و مؤثر نیست بنا بر این لازم نیست بگوئیم اگر بتصویب نرسیده صحیح نیست این مفهوم مخالفت این است که بگوئیم قبل از تصویب تأییری داشته باشد این است که بنا بر این بنده موافق نیستم با این مذاکرات ماده اول تکلیف را معین کرده است و گفته است اعطای هیچ امتیاز و هیچ عملی بخارج و بداخله بدون تصویب مجلس عملی نیست .

مهندس فریور - آقا بنده يك توضیحی مطابق نظام نامه

باید بندهم .

آقای شریعت زاده نماینده بازل

نایب رئیس - بفرمائید .

در مجلس ۱۴

مهندس فریور - آقای شریعت زاده و آقایان دیگر متوجه هستند که این مسئله محرز است مادام که مسئله ای بتصویب مجلس شورای ملی نرسیده هیچگونه قوت قانونی ندارد ذکرش در متن قانون اولاً مخالفتی با قانون اساسی ندارد پیشتر اسلام هم در قرآن ده جا گفت نماز بخوانید بعد از یقین هم امامها گفتند نماز بخوانید ما قوانینی که میکنیم مابینتی با قانون اساسی ندارد و اساساً میخواستم بیک نکته هم آقایان را متوجه کنم و آن این است، از این مذاکرات از این بر تکل ها بهانه ممکن است بدست داده شود و تمام اشکال سیاسی که در مملکت ما پیش آمد در نتیجه رویه غلطی بود که بنظر ما از طرف دولت آقای ساعد ابراز شد والا نتیجه اش را که همه موافق بودیم ما نباید يك کاری بکنیم که موجب کمترین بهانه ای بشود

نظرسنایید هیچ مانعی ندارد مخالفت هم نفرمایید تصور میکنم آقای دکتر مصدق هم که این مطلب را ذکر کرده اند مخصوصاً و متعمداً ذکر کرده اند برای پیش نیامدن سوء تفاهم.

نایب رئیس - رأی میکنیم به پیشنهاد آقای مهندس فریور آقاباتی که مواظبت قیام فرمایند (عده ای قیام نمودند) تصویب شد آقای هاشمی تردید دارند در اینکه تصویب شده است یا خیر.

محمد طباطبائی - آقایان اشکال قانونی دارند فرمودید تصویب شد.

نایب رئیس - آقا این تشعشع با هیئت رییسه است ایشان متوجه شدند که اکثریت نیست تذکر دادند بدهم بنده عرض کردم که تردید شد آقای هاشمی.

هاشمی - بنده که اینجا نشسته ام کاملاً حواسم جمع است مجلس پنجاه مقابل اینهم آشفته بشود بنده اشتباه در کوچکترین چیزی نمیکنم دیدم اکثریت نشد عرض کردم اکثریت نشد توجه فرمایید و در خانه هم عرض میکنم نظری که آقای دکتر مصدق گرفته اند و با حواس جمع نوشته اند با پیشنهادات مختلف آنها را بهم نزنیم و همانکه از فکر صاحب ایشان صادر شده است رأی بدهیم و با این پیشنهاد ما بیخود وقت مجلس را تلف نکنیم پیشنهادی هم رسیده است که برخلاف قانون اساسی است.

پیشنهاد آقای فرهودی :

مذاکره که برای فروش نفت میشود هیچگونه تمهیدی برای استخراج نفت در مدت معینی نخواهد بود.

نایب رئیس - آقای فرهودی.

فرهودی - ماده دوم راجع است باین موضوع که دولت میتواند وارد

مذاکره بشود راجع بقرارداد فروش نفت بنده هم این طور پیشنهاد کردم و اصراری هم ندارم و نخواستم این ماده حذف شود خواستم این در صورت مجلس نوشته شود که این مذاکرات خواه منجر به بستن فرار دادی بشود یا نشود تمهیدی برای دولت ایران نباشد که ما در یک مدت معین و محدودی نفت را استخراج کنیم هر وقت استخراج کردیم و خواستیم بفروشیم قرارداد فروش را منعقد کنیم و ضلای مسترد میکنم.

نایب رئیس - پیشنهاد آقای سیف پور :

پیشنهاد میکنم که ماده دوم بطریق زیر اصلاح شود: هیئت دولت میتواند برای فروش نفت در بازار های بین المللی مذاکره نموده نتیجه مذاکره را بعرض مجلس شورای ملی برساند و پس از تصویب مجلس نظریه اکثریت نمایندگان ملت را بوقع اجرا بگذارند.

نایب رئیس - آقای سیف پور.



آقای فرهودی نماینده دولت میثاق
در مجلس ۱۴

سیف پور - این ماده سه نقص دارد: اول - نوشته است نخستوزیر و وزیران، تمام عیبی که بکابینه ساعد گرفته گفتند که چرا آقای ساعد وارد مذاکره شده و صحبت کرده - است یا وزیرانش چرا صحبت کرده اند بنده اینجا پیشنهاد کردم که بجای نخست وزیر و وزیران نوشته شود «هیئت دولت» و چون این مذاکرات مهم است بنده پیشنهاد کردم این مذاکرات باید در جلسه هیئت دولت مذاکره شود و در دفترى که آنجا هست وارد بشود. این اول - دوم اینکه نوشته شده است میتواند راجع با استخراج نفت و فروش نفت و رویه ای که برای استخراج نفت ایجاد خواهد کرد صحبت بکند. شما در ماده اول گفتید که بهیچ خارجی و داخلی امتیاز نمیدهیم و استخراج نفت از صلاحیت ملت ایران است و از صلاحیت دولت ایران است که بنشیند پروژه حاضر کند و بیاورد بیجلس و بگوید که ما باین ترتیب نفت را استخراج میکنیم با چه مقامی صحبت میکنیم يك قسمتی است که باید در هیئت دولت صحبت شود و باید آنجا صحبت بکنند این دو موضوع بود که بنده خواستم تذکر بدهم.

نایب رئیس - آقایانیکه با پیشنهاد آقای سیف پور موافقتند قیام فرمایند (عده کمی قیام نمودند) تصویب نشد. آقای دولت آبادی پیشنهاد جنابعالی هم جایش اینجانیست. حالا رأی میگیریم بماده دوم آقایانیکه با ماده دوم موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده سوم قرائت میشود:

ماده سوم - متخلفین از مواد فوق بحسب مجرد ازشه تا هشت سال و انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم خواهند شد.

نایب رئیس - آقای دکتر عبده.

دکتر عبده - مخالفت بنده با اساس این ماده نیست و باین ماده هم رأی میدهم فقط مخالفت بنده از نظر تکنیک قضائی است که حالا عرض میکنم در این ماده نوشته شده است متخلفین از مواد فوق بحسب مجرد ازشه تا هشت سال و انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم خواهند شد.

هر گاه تخلف از ماده دوم هم مستلزم حبس ازشه سال تا هشت سال باشد بنظر بنده این مجازات غیر متناسب و اصلاً مربوط بماده دوم نیست این کلمه متخلفین از مواد فوق باید اصلاح شود و نوشته شود متخلفین از ماده اول (دکتر مصدق - موافقت میکنم) اما قسمت دوم بنظر بنده مجازات تبعی است که در این ماده پیش بینی شده بطوریکه آقایان ملاحظه می-فرمایند مجازاتی که آقای دکتر پیش بینی کرده اند این حبس جنائی است و حبس جنائی مطابق قانون مجازاتش مستلزم انفصال ابد از خدمات دولتی است دیگر این قسمت محتاج بذکر نیست اگر اجازه بفرمایند این قسمت هم حذف شود و بنده هر دو قسمت را هم پیشنهاد کرده ام.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

نایب رئیس - پیشنهادی رسیده از آقای دکتر عبده قرائت میشود:

بنده پیشنهاد میکنم در ماده دوم انفصال دائم از خدمات دولتی حذف شود.

نایب رئیس - آقای مهندس فریور.

مهندس فریور - آقای دکتر عبده سهواً این انفصال ابد را مجازات تبعی گرفته در صورتیکه این مجازات کیلیماتر است یعنی تکمیلی است و مجازات اصلی است یعنی هم این وهم آن خواهش میکنم از آقای دکتر عبده این را پس بگیرند.

نایب رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای دکتر عبده آقایان موافقین قیام فرمایند (عده کمی قیام نمودند) تصویب نشد رأی میگیریم بنامه سوم با اصلاح عبارتی که موافقت هم کردند یعنی متغلفین از ماده اول بجای متغلفین در مواد فوق آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد - ماده چهارم قرائت میشود:

ماده چهارم - تعقیب متغلفین از طرف دادستان کشور محتاج باین نیست که مجلس شورای ملی آنها را تعقیب نموده باشد و اجازه دهد - دادستان مزبور وظیفه دار است که متغلفین از این قانون را بر طبق قانون محاکمه وزراء مصوب ۱۶ و ۲۰ تیرماه ۱۳۰۷ تعقیب نماید:

نایب رئیس - آقای دکتر عبده.

دکتر عبده - عرض کنم مطابق اصل هفتاد و نه متمم قانون اساسی تعقیب وزراء باین مجلس شورای ملی است یعنی مدعی الصوم دیوان کیفر نمیتواند یک وزیر را مورد تعقیب قرار دهد فلسفه این موضوع هم این است که جرایمی که یک وزیر مرتکب میشود ممکن است غالباً جنبه سیاسی داشته باشد و باین سبب صلاحیت یک وزیر بتصویب مجلس برسد بنا بر این بموجب قانون اساسی سلب صلاحیت یک وزیر بدون تصویب مجلس شورای ملی ممکن نیست و قانون عادی هم نمیتواند این حق را که مختص مجلس شورای ملی است سلب کند و بنظر بنده این ماده برخلاف اصل قانون اساسی است و پیشنهاد حذف آنرا کرده ام.

نایب رئیس - آقای دکتر معظمی.

دکتر معظمی - فرمایشی را که آقای دکتر عبده کردند اصولاً صحیح بود اگر بدون اجازه مجلس شورای ملی بود فعلاً مجلس شورای ملی اجازه میدهد که در این مورد بخصوص اگر وزراء تغلفی کردند دادستان دیوان کیفر تعقیبشان بکند و مخالفتی با قانون اساسی ندارد.

نایب رئیس - آقای شریعت زاده.

شریعت زاده - بر طبق اصل ۶۹ قانون اساسی تصدیقات وزراء از طرف مجلس شورای ملی باید عنوان بشود و تصدیق هنوز واقع نشده است که قانون فطی را در حکم عنوان بدانیم

بنا بر این دلیلی ندارد که قانون محاکمه وزراء را در این مورد تغییر بدیم همانطور که نمایندگان ملت با علاقه تام این قانون را تصویب میکنند اگر وزیری برخلاف این رفتار کرد با همان کیفیت تصدیق آنرا طرح میکنند و تعقیب میکنند ولی در حدود قانون محاکمه وزراء.

نایب رئیس - آقای دکتر شفق شما باین ماده موافقت یا مخالف.

دکتر شفق - بنده با این پیشنهادی که ایشان کردند و توضیحی که آقای شریعت زاده دادند موافقم.

دکتر مصدق - بنده برای اینکه کار تمام شود این ماده را پس میگیرم.

نایب رئیس - يك ماده الحاقیه رسیده است از طرف آقای ایرج اسکندری قرائت میشود:

پیشنهاد میکنم ماده ذیل بقانون الحاق شود.



آقای دکتر معظمی نماینده
آذربایجان در مجلس ۱۴

ماده ۴ - نخست وزیران ووزرا و اشخاص مندرج در ماده يك موظفند راجع بهر گونه تقاضایی که درباب امتیازمعانین نفت میشود فوراً به مجلس شورای ملی گزارش نمایند و مجلس باید درباره آن تصمیم مقتضی اتخاذ نماید .

نایب رئیس - آقای ایرج اسکندری .

ایرج اسکندری - عرض کنم این ماده يك که از تصویب مجلس شورای ملی گذشت این ماده بطور کلی امتیاز دادن را ازین نبرده است (بعضی از نمایندگان - خیر اینطور نیست) اجازه بفرمایید اینجا گفته است که نخست وزیر ووزرا حق ندارند مذاکره بکنند و در قانون اساسی هم دارد که با نظر مجلس شورای ملی میشود تصمیم گرفت و امتیاز داد پس معنای این این است که بطور کلی امتیاز بموجب ماده يك ازین ترفقه نهایت گفته است که وزرا و هیئت وزیران حق مذاکره ندارند بنا بر این بنده عرض میکنم که اگر نخست وزیر : چون نخست وزیر که آنجا نشسته است ممکن است يك مأمور خارجی بیاید آنجا و تقاضایی بکند او که حق ندارد و قانون اساسی هم که دادن امتیاز را منع نکرده - است پس باید فوراً او بیاورد به مجلس و آنوقت مجلس یا قبول میکند یا رد میکند بنا بر این این پیشنهاد بنده تکمیل آن ماده يك است و تصور میکنم ضروری است (همه نمایندگان) خوب ممکن است همه آقایان مخالف باشند ولی آقایانی که میل دارند در موقع صحبتشان همه سکوت بکنند خوب است توجه بکنند مخصوصاً آقای فرهودی والا اگر همیشه بشود که میشود بحث کرد خلاصه نظر بنده این است که اگر بطور کلی اصل امتیاز دادن را قبول ندارید پس این ماده را اینطور تنظیم کنید که بهیچوجه من الوجوه در کشور ایران امتیاز داده نمیشود اینطور که نگفتید شما ماده يك را مطالعه بفرمایید در ماده يك قید شده است که نخست وزیر ووزرا در صورتیکه با ایشان مذاکره شد و حاضر شدند مذاکره بکنند اینقدر مجازات دارد یعنی حق مذاکره ندارند ولی گفته نشده است که مطلقاً امتیاز نیدهیم غیر از این هم نمیتوانستند این ماده را تنظیم کنند برای اینکه در قانون اساسی ذکر شده است که امتیاز نامه ها و متاوله نامه ها بایستی بتصویب مجلس شورای ملی برسد این در حقیقت يك پتین و توضیحی از قانون اساسی بوده است و در این ماده که تصویب شده است قید شده که هیچیک از وزرا و نخست وزیران نمیتوانند راجع باین موضوع مذاکره بکنند پس مرجعش کجا است یعنی ناچار است که آن وزیر و آن رئیس الوزرا وقتیکه بهشان مراجعه شد فوراً بیاورند به مجلس شورای ملی و مجلس تصویب بکند بنده مقصودم این بود حالا ممکن است عبارت را تغییر بدهید .

نایب رئیس - رأی میگیریم بنده الحاقیه پیشنهادی آقای ایرج اسکندری آقایان موافقین قیام فرمایند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد .

پیشنهاد آقای نوات آبادی :

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بعنوان ماده ۵ بطرح مورد بحث اضافه شود : تبصره سایر معادن ایران نیز مشمول مقررات فوق میباشد .

نایب رئیس - این پیشنهاد شما نظیرش رد شده است - در ماده دیگر پیشنهاد شده ورد شده است .

نوات آبادی - این رد نشده این قیر از آن است .

هاشمی - نظیر پیشنهاد آقای دکتر اعتبار بود که رد شد

نایب رئیس - بفرمایید حالا توضیح بدهید .

صوب طرح تحریم دولت آبادی - در آن موقع مجلس توجه نکرد چون يك مشکلاتی چندی قبل



آقای دولت آبادی نماینده اصلهان
در مجلس ۱۴

یش آمد و بعضی از روزنامه‌ها هم بآن اشاره کردند بنده خواستم معادن دیگر را هم مشمول بشود که رفع آن مشکلات بشود و سایر معادن هم مشمول این قانون بشود.

نایب رئیس - مشابه این را آقای دکتر اعتبار پیشنهاد کردند و مجلس رد کرد دیگر موردی ندارد. بحث در کلیات است. آقای طباطبائی. محمد طباطبائی - عرض کنم وقتی يك طرح قانون با يك لایحه از طرف دولت به مجلس تقدیم میشود که يك ماده نیست و شامل مواد زیادی است بحث در کلیات اول دارد و کلیات آخر در کلیات اول اصلاً فراموش شد و اخذ رأی شد و اما کلیات ثانی همه آقایان توجه کنند این صحبتی را که من عرض میکنم بعد از اینکه از اینجا تشریف بردند

این لایحه را يك قدری دقت بکنند بنظر من خیلی نفع ندارد من بالاخره فهمیدم که دولت متنوع از «مذاکره» است و راجع بوقت با متنوع از «امتیاز» است آنوقت ماده دوم بطوری که قبلاً عرض کردم در عین اینکه يك چنین فکری اصلاً هست راه را باز کرده است که راجع بفروش با هر کس که میخواهد وارد مذاکره میشود و اگر خواستند او را متخلف تشخیص بدهند خواهد گفت که بوجوب ماده دوم مجاز بودم نسبت بفروش وقت مذاکره بکنم و حالا که می بینم آقایان میل ندارند زیاد در این باب صحبت بشود عرضی نمیکنم. نایب رئیس - رأی میگیریم بجمع مواد این طرح آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) - تصویب شد.

در جلسه دوازدهم آذر ۱۳۲۳ آقای رحیمیان طرحی بشرح ذیل پیشنهاد مجلس نمود:

طرح معروف رحیمیان
در مورد لغو امتیازات جنوب

مقام محترم مجلس شورای ملی

نظر باینکه حفظ منافع عالی و حقوق ملت ایران از فرایض و تکالیف اولیه نمایندگان محترم است و حفظ منافع و ملت و کشور در این است که کلیه روابط اقتصادی و مناسبات ایران با همسایگانش بر پایه آزادی اراده و استقلال فکر جامعه باشد و نظر باینکه مجلس شورای ملی بر روی همین اصل دیروز لایحه جناب آقای دکتر مصدق را در باب امتیاز نفت و صنایع دولتهای ما در اخذ تصمیم نسبت بآن با قید و فوریت تصویب نموده و با تصویب مواد سه گانه آن ثابت نموده است که مجلس ایران معتقد است هر گونه امتیازی که از کشور ایران در اوضاع و احوال غیر عادی گرفته شود پس اعتبار است و چون خاطر نمایندگان و عموم افراد ایرانی آگاه است که واگذاری امتیاز نفت جنوب بشرکت خارجی نیز در دوره استبداد و برخلاف مناسبت و رضایت ملت ایران صورت گرفته و کلیه شرایط آن بریان کشور بوده و متأسفانه تعدید و تجدید امتیاز مزبور نیز در زمان

دیکتاتوری در موقعی بملت ایران تحمیل شده است که برای مجلس و ملت ایران هیچگونه



آقای رحیمیان نماینده فرچان
در مجلس ۱۴
مجلس

آزادی فکر و زبان و قلم حاصل نبوده و بالتبعه
تجدید و تمهید آن نیز بطور یقین نامشروع و بضرر
ایران صورت گرفته و در این معامله اجباری و غیر
قانونی ملت ایران بشرحی که جناب آقای دکتر
مصداق در نطقهای خودشان در مجلس تصریح
نموده اند میلیارد ها متضرر گردیده است نظر
بمبایات مبرو و نظر با اهمیت موضوع و لزوم حفظ
منافع ملی ماده واحده زیر را بقید دو فوریت پیشنهاد
میکنیم:

ماده واحده - مجلس شورای ملی
ایران امتیاز وقت جنوب را که در دوره
استبداد بشرکت داری و اگذار شده و در
موقع دیکتاتوری آنرا نیز تمدید و تجدید
نموده اند بموجب این قانون انقاع مینماید -
غلامحسین رحیمیان (۱)

پس از قرائت این طرح آقای رحیمیان از دکتر مصداق تقاضای امضاء آنرا
کرد ولی دکتر از امضای آن خودداری نمود.

بعد از تصویب طرح تحریم امتیاز و منع مذاکره
در باب وقت کلیه مطبوعات داخلی و بعضی از جرائد
خارجی در اهمیت طرح مزبور و فواید آن و یادار

انعکاس قانون منع امتیاز وقت
در مطبوعات داخلی و خارجی

انتقاد از معایب و مضار احتمالی آن مطالبی نوشتند که ما برای تکمیل موضوع قسطنطینی
از آنرا که در حقیقت اساس مطلب و جان کلام است در اینجا نقل مینمائیم:

آقای عیدی مدیر روزنامه «داد» در شماره ۳۲۱ مورخ سیزدهم
نظریه روزنامه ۵ آذر ۱۳۲۳ نوشت: «در پروردگتر مصداق طرحی بطور ناگهانی
در ضمن بیانات خود بعنوان موافق دولت در خصوص منع مذاکرات
مربوط بوقت از طرف نخست وزیر و هر یک از وزراء و معاونین و کفیل های وزارت خانهها
با کپانیهای خارجی و دولت های بیگانه تسلیم مجلس کرد که با قید دو فوریت
تصویب گردید».

در ضمن بیانات مفصل خود در مقدمه این طرح دکتر مصداق عقیده سیاسی خویش را
نسبت بموازنه سیاسی بین همسایگان جنوب و شمال «سیاست منفی» تلقی کرده گفت چون
وقت جنوب را بانگلیس ها داده ایم اگر وقت شمال را هم بشوروی بندیم مثل این است که
مقطوع الیدی برای حفظ موازنه مقطوع الیدی کردد - ما میخواستیم با آقای دکتر مصداق

که در ضمن آن خطابه مفصل خود راجع به نفت، انتقادات مهمی در خصوص امتیاز نفت جنوب بعمل آورده بودند گفته باشیم بچه دلیل ایران را بیک شخص مقطوع الیدی تشبیه کرده‌اند دادن امتیاز نفت جنوب بکمپانی داری در عصری بود که هنوز ملت ایران اختیار اراده خود را بدست نگرفته بود تمدید آن امتیاز هم در دوره بیست ساله حکومت رضاخانی جعل آمد که بطلان تعصبات آن دوره را حتی رادیوی لندن هم بدنی اعلام نمود !!

پیشه وری در شماره ۲۲۱ مورخ ۱۴ آذرماه ۱۳۲۳ روزنامه «آزیر» نظریه روزنامه آذیر تحت عنوان: «آقبای دکتر مصدق و رحیبیان کدام راست می-گفتند» چنین نوشت:

«.... رحیبیان درمراجعه با آقای دکتر مصدق در مورد امضاء طرح الفای امتیاز نفت جنوب يك قدم تازیخی بسیار بزرگی برداشت شما (دکتر مصدق) باملاک و دارائی خود بیشتر از منافع ملت علاقه دارید، شما از بزرگترین ملاکین این کشور میباشید، اغلب لوايح تقدیمی شما روی حفظ منافع طبقه ملاکین بوده است، شما از آزادی ملت می ترسید شما از دوستی دولت اتحاد جماهیر شوروی بیستک میباشید، شما اگر واقعا ملت پرست هستید واقعا میخواهید قداکاری کنید بفرمائید این گوی و این میدان - نبرد را از این جا آغاز بکنید امتیاز مضر داری را لغو نمائید ... شما واقعا اینقدر ساده هستید که خیال می کنید خواهند گذاشت شما با سرمایه داخلی نفت استخراج بکنید - آیا در حقیقت شما از اوضاع ایران اطلاع ندارید ؟!

نمیدانید که کمپانی نفت جنوب تاچه اندازه ریشه های خود را بزندگان جامعه ایرانی فرو برده است؟ شما چطور میشود از میزان مصرف داخلی نفت و بنزین و گریس و سایر مواد نفتی اطلاع نداشته باشید؟ چطور شما آقای دکتر مصدق نمیدانید که امروز از حمام ها گرفته تا بخاریهای خانه های شهری و دهائی با نفت کار میکنند ؟

با وجود این شما خیال میکنید بسهولت و بدون دردسر شما امکان خواهند داد در مقابل کمیانی نفت «انگلیس و ایران» یا «ایران و انگلیس» دکان باز کنید ؟ خودتان هم میدانید (۱) این شدنی نیست و خودتان هم میدانید که با اقدامات اخیر خود به آسیاب کپها دارید آب می بندید، شما از امضاء نکردن لایحه تقدیمی رحیبیان بزرگترین ضربت را بنفوذ و وجه ملی خود وارد آوردید .

در سرمقاله شماره ۱۴۴ مورخ ۱۹ آذر ۱۳۲۳

نظریه روزنامه ایران ما مینویسد :

« طرح و هشه جناب آقای دکتر مصدق که در هفته قبل با سرعت بیسابقه ای بصورت قانون درآمد از دو جهت مستلزم دقت و بحث میباشد یکی اینکه چه عواملی باعث شد که این طرح را آقای دکتر مصدق بمجلس آوردند و دیگر

(۱) - خوب بود میگفتند اگر امتیاز نفت شمال داده میشد آب به آسیای کدام دولت میرفت با این قدرتی که پیشه وری برای کمپانی نفت جنوب قائل است و کسی تردید ندارد چنانچه طرح رحیبیان با امضای تمام نمایندگان مجلس هم که فرخی است معال میرسد علی نبند مخصوصاً در مورد امتیاز داری که در دوره استبداد با مقررات آن همسر تحصیل شده و چند سال دیگر خانه پیدا میکند و در اعضاء امتیاز مر بورخا ازین خواهد رفت پس هر کوی که احتیال علی شدن بآن نیست هر کس در آن اقدام کند باید یا مجنون باشد و یا هوام لریب حال بسته به نظر نویسنده است که خود را بکدام يك از این دو دسته متبب نماید و باید توجه نماید که اتساب بدسته اول از اختیار ایشان خارج است .

نظر به روزنامه ایران ما
اینکه این قانون آقای دکتر مصدق چه فوایدی برای ملت ایران و سرنوشت کشور ما
دارد میباشد ؟

آقای دکتر مصدق در هنگام کودتا از مخالفین بودند و تا آخر کار هم با سلطنت رضا-
شاه موافقت فرمودند و این مخالفت های ایشان بسیاری از آزادیخواهان مخالف رژیم
رضا شاهی را بایشان خوشبین و معتقد نگاه میداشت و بار دوم که باز وارد میدان سیاست شدند
با آقای سید ضیاء الدین هم که این بار روشن و صریح با اصطلاح ارتجاع بیدان آمد دست
بگریبان شد ... ما با اینکه دکتر مصدق را نماینده محبوب تهران مینامیدیم هیچوقت درباره
ایشان برخلاف احزاب دسته چپ مبالغه نکردیم حتی در موقع صحبت زمامداری ایشان از
روز اول مخالفت خود را ابراز داشتیم زیرا ما وجود ایشان را در مجلس مفید اما دور آس
دولت با اطلاعاتی که بطرز فکرایشان داشتیم پیفایده میدانستیم - از طرفی مخالفت با دکتر
میلیس و شرح زیانهای قراردادخت جنوب هم بسیاری از مردم را بیشتر متوجه دکتر ساخت
با این مقدمه هیچکس قادر نبود مثل آقای دکتر مصدق این طرح را ب مجلس بیاورد و مجلس
را خافگیر نماید .

اکنون باید دید این طرح چه فوایدی برای ملت دارد و چه تأثیری در سیاست خارجی
خواهد داشت - اول مطلبی که بنهن هر کس پس از فهم منفی این لایحه میرسد حفظ منافع
نفت جنوب است یعنی این طرح آقای دکتر فعلا خیال کپانی نفت جنوب را از ورود رقیبهای
گردن کلفت بیدان نفت کاملا راحت و آسوده میسازد موضوع دیگری که بعد بنهن میرسد
عدم اعتماد نمایندگان مجلس بنفست و وزیر است که باورای اعتماد میدهند.

روزنامه رهبر در شماره ۴۳۸ نوزدهم آذر ۱۳۲۳
نظریه روزنامه های رهبر و داد طی مقالاتی که تحت عنوان : «سروته یك كریاس» بقلم
آقای خلیل ملکی منتشر نمود چنین نوشت : « طرح آقای
دکتر مصدق مذاکرات را از محافل ایران و شوروی بمعاقلی منتقل میکند که روزنامه تایمز
یشتهاد کرده ...»

روزنامه داد در شماره ۳۲۶ مورخ بیستم آذر ۱۳۲۳ مینویسد : آیا مشکل سیاسی
دولت با تصویب طرح دکتر مصدق گشوده گردید ؟ ...

در مصاحبه ای که آقای کافنار اذره با آقای بیات
تخصت تر زیر بعمل آورد نکات ذیل را متذکر
بودند :

مصاحبه کافنار اذره با بیات

- ۱ - عمل مجلس شورای ملی در تصویب طرح قانون مربوط ب منع مذاکره در باب
امتیاز نفت که بدون شور لازم انجام گرفت بکنوع اشتباه محسوب میشود .
- ۲ - اشتباه مذکور در اثر فشار عناصر مخالف دولت ایران و شوروی از قبیل ساعد و
سید ضیاء وغیره روی داده است .
- ۳ - تصویب چنین طرحی با بودن امتیازات خارجی در ایران ماینت دارد .
- ۴ - دولت شوروی معتقد است که مجلس شورای ملی ایران بایستی با تجدید نظر
در این عمل اشتباه خود را ترمیم کند - ضمناً آقای کافنار اذره اظهار داشته است که البته
امتیازی که دولت شوروی از ایران تقاضا نموده چنبه امتیازات سرمایه داری نداشته و نمیتواند
داشته باشد و نتیجه آن ترقی صنایع نفت ایران میباشد که مسکن است بپایه صنایع نفت

۴۳۶ مضاحبه کافتارادزه بایمان شوروی که خیلی بالا است ترقی نماید این امتیاز صرف نظر از فوایدی که برای ایران از لحاظ رفع بیکاری و ترقیات صنعتی و غیره دارد پس از پایان مدت امتیاز و سایل آن هینا بایران واگذار خواهد شد.

و نیز آقای کافتارادزه اضافه نمودند که چون در اثر عملی که اخیراً انجام شده و جنبه خصمانه نسبت باتحاد جماهیر شوروی از طرف عده نمایندگان مجلس در آن مستتر بوده است بر اشکالات افزوده گردید ایشان فوراً بسکو مسافرت خواهند کرد (۱).



این نقشه حدود اراضی را نشان میدهد که در علامه زاده شرکت مختلط ایران و شوروی (قرارداد فرام و سان چینگ) قرارداده و در مجلس ۱۳۱۵ گام یکم گردید (حدود اراضی با خطوط طیباه نمودار است

چون بعضی از روزنامه های متمایل بسیاست شمال در ان تصویب قانون « تحریم امتیاز نفت » عمل دکتر مصدق را انتقاد می نمودند و آنرا برخلاف

نطق مهم دکتر مصدق

مصالح مملکت تشخیص میداد و طرح آقای رحیمیان را که دکتر مصدق امضاء نکرد بهانه برای حملات ناروای خود مینمودند لذا دکتر مصدق برای توجه عموم و رفع سوء تفاهم لازم دانست که در جلسه ۲۸ آذر ۱۳۲۳ مجلس شورای ملی توضیحاتی بدهد نماینده اول تهران در این نطق علاوه بر جواب ایرادات پیشه وری و سایر کسانی که با او هم عقیده بودند نسبت باالفای اختیارات دکتر میلیسیو که در این موقع مورد تقاضای ملت ایران بود بیانات مهمی نموده و در خاتمه طرحی تحت دو ماده بمجلس پیشنهاد نمود که در همان جلسه باعضای ۳۰ نفر از نمایندگان رسید ولی سایر و کلا از امضاء آن استتکاف نمودند اینک متن نطق مزبور که قبل از دستور ایراد شده و چون در مذاکرات مجلس نظمهای قبل از دستور معمولاً درج نمیشد از روزنامه «ندای عدالت» شماره ۱۳۲ مورخ ۲۹ آذر نقل مینمائیم:

ایراد و اعتراض از دو جانب

هر کس در این روز و در این مملکت بخواهد بوطن خود خدمت کند و هر کس که بخواهد منافع این جامعه را حفظ کند از دو طرف مورد خطاب است. يك وقت روزنامه های دست راست بمن دشنام می-

دادند و روزنامه های دست چپ بشهادت او اوراق خود مرا تحسین مینمودند امروز برای پیشنهادی که من بمجلس نموده ام اولی ها ساکتند و دومی ها انتقاد می نمایند و هر کدام می خواهند که من هر چه می گویم بمنافع آنها باشد !!

من روز یازدهم آذر چه گفتم؟ من در آن روز چه کرده ام؟ من مگر از راه راست منحرف و با از خدا بی خبر شده ام که تا این درجه مورد عذابم !!

من فقط يك حرف گفتم او اینست که دادن امتیاز بر خلاف مصالح ایران است من از «آژانس تاس» گله ندارم که چرا به بعضی از سخن چینی ها اهمیت می دهد و آنها را منعکس می نماید بدیهی است معبرینی که از او پول میگیرند باید اخباری را تعویل نمایند.

من از بعضی از جرائد که از انصاف خارج میشوند و از بعضی از جرائد که مصالح ملی را با مصالح مرا می مخلوط می کنند سؤال می نمایم که دردوره زندگی من چه وقت تحت نفوذ واقع شده ام که ملاقات آقایان ساعد و علاء آقای سید ضیاء الدین بر فرض صحت در من اثر بکنند من این خبر را که سر تا پای دروغ است تکذیب مینمایم.

من از روزهای اول این دوره تا کنون با آقای سید ضیاء الدین حرف نزده ام، من آقای ساعد را از آخرین دفعه ای که مجلس آمده اند ندیده ام، من چند ماه است که از دیدار آقای علاء محروم.

و باز تکذیب می کنم که از این آقایان در موضوع نفت و هر موضوع دیگری بیگامی گرفته ام و نه بیگامی با آنها داده ام و هیچگونه روابط سیاسی با آنها ندارم.

از روزیکه شرکت های خارجی برای گرفتن امتیاز استخراج نفت ایران آمده اند و از روزیکه آقای ساعد نخست وزیر وقت در مجلس اظهار نمود که راجع بنفت با آنها مذاکره

دلائل منع اعطای امتیاز
 میکنم چون من با هر امتیازی قویاً مخالف بودم تصمیم گرفتم که هر وقت موقع رسید مخالفت نمایم.

بعد از اینکه جناب کافشار ادزه وارد شدند نمایندگان شرکت امریکا و انگلیس از تهران حرکت نمودند و صلاح خود را در این ندیدند که مذاکرات ادامه دهند چون دولت از پیشنهادات آنها در مجلس

دلائل منع اعطای امتیاز به بیگانگان

اظهاری نکرده بود و در مطبوعات هم چیزی انتشار نیافته بود و این جانب مطلع نشدم که عقیده خود را اظهار نمایم لذا پس از آنکه جناب ایشان در هیئت مطبوعات بیاناتی فرمودند و نظریاتشان معلوم شد نطق مخالفت آمیزی را که بنسبیت امتیاز منطقه جنوب شرقی تهیه کرده بودم با الحاقات و اصلاحاتی در جلسه هفتم آبان ماه مجلس شورای ملی ایراد نمودم و در آن نطق من مخالفت خود را با امتیاز و موافقت خود را با معامله نفت اظهار نمودم و برای حفظ نزاکت بین المللی نخواستم که از دولت چهارم شوروی پیشنهادی بدولت داده شود که دولت بآن ترتیب اثر ندهد و خواستم که اولیای دولت شوروی از نظریات من استفاده کنند و پیشنهادی که می نمایند طوری باشد که من بتوانم از آن در مجلس شورای ملی دفاع نمایم.

تو روز بعد از ایراد نطق یکی از نمایندگان گفت که خوب است مجلس قانونی وضع کند تا دولت بتواند قرار دادی امضاء نماید من از نظر اینکه شرکت های خارجی رفته بودند و دولتی هم که با آنها مساعدت میشود از خاتمه مذاکرات اظهار خوشنودی مینمودند و دولت مساعد هم گفته بود که تا بعد از جنگ راجع بنفت با هیچ دولتی داخل مذاکره نمی شود موضوع را قابل تعقیب ندیدم ولی بعد از انتشار سرمقاله روزنامه نایزلندن که در نطق یازدهم آذر من مندرج است و اطلاع از اینکه بعضی از نمایندگان مجلس راجع بنفت طرحی تهیه نموده اند که دولت نتواند تا شش ماه بعد از جنگ داخل در مذاکره شود لازم دانستم طرحی تهیه کنم و هر چه زودتر به مجلس پیشنهاد نمایم فقط

اختلاف طرح من با طرح نامبرده که آن را تدبیر و نشنیده ام این است که من بآدام امتیاز مخالفم و طرح مزبور با امتیاز موافق است بشرط اینکه تا آتامه بعد از جنگ در این باب مذاکره نشود.

چون طرح مزبور برای دولت شوروی راهی برای هیچگونه مذاکره باقی نماند داشت من مصالحت مملکت را چنین تشخیص دادم که طرحی تهیه کنم که هم منافع ایران را تأمین کند و هم راه مذاکرات را برای انتفاع از معادن نفت با مقامات خارجی مسدود نماید و موافقت خود را با برنامه دولت موکول باین نمودم که آقای نخست وزیر با نظریات من راجع به دکتر مپلسیو و استخراج نفت موافقت کنند و بدون تأخیر اقدام نمایند.

از موضوع طرح من تا زمانیکه در مجلس قرائت شد احدی اطلاع نداشت و فقط موقع ورود بجلسه یکی از آقایان نمایندگان گفتم پیشنهادی دارم نمی دانم آن را چه طور با مضای آقایان نمایندگان برسانم.

من که در تمام عمر تحت نفوذ واقع نشده ام، من که هیچ وقت منافع شخصی را بمصالح عمومی ترجیح نداده ام چی سبب شده است که اکنون از رویه خود دست بکشم و تحت نفوذ در آیم ؟؟

اجتناب از نیاست یکطرفی

من اگر اهل ایمان و عقیده نبودم ۲۰ سال پادولت دیکتاتوری جدال نمی نمودم، من با آن دولت جنگیدم؛ زندان رفتم و تحت نظارت درآمد و من وقتی آزاد شدم که دولت شوروی در صحنه سیاست این مملکت دخالت کرد. پس دلیل ندارد که من بایک سیاست موافقت کنم و با سیاست دولت شوروی مخالفت نمایم.

من و نجاندین و عصبانی کردن همسایگان بخصوص همسایه شمالی که در روزهای تاریخ خدمات بزرگی با استقلال ما کرده است بزرگترین خیانت میدانم و آرزو مندم که سیاسیون بزرگ آن دولت و سوسه

دعوت باتحاد و اتفاق

و اقوامی پاره ای از ناصحین بدخواه را در دماغ خود راه ندهند و سعی کنند کماکان در قلوب مردم این مملکت راه یابند.

چنانکه من در گذشته دیده ام تردید ندارم که اگر اتحاد جماهیر شوروی از صحنه سیاست بین المللی ما غایب شود برای ما در هوای آزاد هم تنفس دشوار است.

من متأسفم که بعد از سقوط دیکتاتوری بجای اینکه سیاسیون این مملکت از تجارت گذشته عبرت بگیرند و با آزادی خواهان صدر مشروطیت تاسی کنند و از یک سیاست بشام معنا ایرانی پیروی نمایند و بجای اینکه نطق و قلم یعنی دو نعمتی را که در سایه مشروطیت تحصیل شده در راه دفاع از مصالح ایران بکار برند و رشد ملی ما را بجبهاتیان ثابت نمایند به جهاتی که از میان آن شرم دارم عده ای شمال و عده ای جنوب را قبله حاجت خود ساخته اند و جار و جنجالی در این کشور راه انداخته اند که هستی ما را تهدید می نمایند. من می ترسم که عاقبت شکاف بزرگی بین ایران و همسایگانش ایجاد کنند و بعلاوه مردم صلح جوی این کشور را به برادر کشی و ادار نمایند!!

در این ایام بعضی از عناصر از زبان و قلم خود مطالبی جاری میکنند که ۲۰ سال قبل یک ایرانی جرئت نخوه بآن نداشت. من چه گفته ام و کدام ذنب لایقتر را نموده ام که باید هدف این تیرهای زهر آگین شوم، من اگر قربانی شوم اهمیت ندارد جانم فدای ایران باد.

من فکری نمی کنم که آب حیات خورده ام، من میدانم که دیر یا زود میمیرم پس چه بهتر از این که در راه انجام وظیفه بمریم ولی باید بدانند که این تیرها را بطرف ایران برتاب می نمایند و این رویه عاقبت ما را بپرتگاه هولناکی میکشاند، من از هموطنان عزیزم تنبا- میکنم بحال این ملت رحم کنند و قهری بخود بیایند و اگر دچار لغزشی شده اند استغفار کنند و متوجه باشند که امروز روزی نیست که ایرانی در سیاست خارجی جیموری نمیشود ما باید همه یکصدا شویم و از ما صدای غیر از صدای ایران در نیاید.

آن هائی که مرا بعنوان ملاکی مخالف دولت شوروی قلمداد می کنند خوبست بحساب املاکی که چهل سال است دست من و مال خانواده من است رسیدگی کنند و بدانند که من برای جلب

جواب مندرجات روزنامه «آزیر»

نفع آنجا زارغ نبوده ام، من برای فرار از دیکتاتور آنجا ساکن شده ام، من در آنجا خادم مردمان بیچاره بوده ام ولی خادمی که سطح زندگی با معنومین خیلی فرق داشت خادم با اسب و اتوموبیل حرکت میکرد و معنومین اغلب الاغ هم نداشتند کما اینکه آنجائی هم که با تبیض مخالفت در بعضی موارد آن را جایز می شمارند - اگر از نظر مواسات برای

همه اتوموبیل تهیه کنند علی نیست و خلاف اقتصاد است و اگر از ساختن اتوموبیل جلوگیری نایند مخالف ترقی و نظام است پس از نظر منافع اجتماعی با تبعیض مخالفت نمیکنند و آن را جایز می شمارند «کل ما حکم به العقل حکم به الاصل»

زندگی من از خانه ای که بر روابط فرهنگی شوروی اجاره داده ام و چند مستهل دیگر اداره میشود من آنچه تصور می نمودم که از زندگی متوسط اضافه دارم سالهاست وقف بیمارستان نموده ام و آنجا را مجاناً و بلا عوض اداره میکنم - من از زندگی متوسط تجاوز نموده و از تجسس یزارم و بچیزهایی که زائد از مناسبت حاج زندگی است عادت ندارم .

من بنی پروری عادت نموده ام و از مردمان مفتخوار تنفر دارم - من در زندگی همیشه خدا را ناظر دیده ام و خواسته ام که هر چه میکنم مرضی خدا باشد .

امروز سبک زندگی دو این مملکت این است که رعایت رضای خدا انفرادی است اگر روزی آمد که رعایت رضای خدا اجتماعی شد کی است که از رضای خدا سر بزنو کی - است که نخواهد بر رضای خدا عمل میکند در جامعه هر فردی حق حیات دارد و چون بار بدوش جامعه میکند باید از دوش جامعه بار بردارد که شیخ اجل میفرماید :

همه از بهر نو سرگشته و فرمان بردار

شرط انصاف نباشد که تو فرمان تبری

آقای پیشه وری پیشنهاد من به مجلس از نظر مخالفت با رژیم نبود و از نظر وطن پرستی است - اگر دنیا وطن همگی است پس این جنگها و آدم کشیها برای چی است؟! و اگر هر ملتی برای خود وطنی دارد پس چراغی که بخانه رواست بمسجد حرام است . مخالفت من با دکتر میلیسبو و بیانات من در مجلس از نظر حمایت از ملاکین نبود بلکه برای دفاع از زارعین بود که آنها نان خالی ندارند و از آنها مطالبه مازاد می کرد .

من تمام مقرراتی که حمایت از و تجبر میکند محترم ، من غیر از حمایت از این طبقه مرا می ندارم و نمی خواهم که کارگری بفتح سرمایه دار بیچاره و زیبون شود ایراد من بشما این است که مرا را از سیاست تفکیک نمی نمایند .

در هر مملکت احزابی هستند که هر یک پیرو یک مرامند اشتراک مرامی هر یک از این احزاب با احزاب سایر ممالک سبب اشتراک سیاست نمی - شود مثل اینکه مرام حزب دموکرات در هر مملکت

لزم تفکیک مرام
از سیاست

یکی است ولی سیاست حزب دموکرات در هر مملکت فرق دارد پس هیچ مانع نیست که از نظر مرامی چند مملکت از طبقه تجبر حمایت کنند ولی از نظر سیاست شتون ملی خود را حفظ نمایند . تا روزیکه تمام ملل خود را حضور جامعه بشر نینداند و تا روزیکه تمام ملل مرام واحدی ندارند و تا وقتی که خرج و دخل عالم یکی نشده است هر مملکت باید از سیاست خاص خود پیروی نماید .

از روزنامههایی که میگویند من به شرکت نفت انگلیس و ایران خدمت کرده ام سؤال میکنم که از عمل منفی من آن شرکت چه نفعی برده است ؟! من پیشنهاد نمودم که امتیاز داده شود و قسمتی

الله از بعضی
مطبوعات و جراید

از سرزمین تحت نفوذ مملکت دیگر نیاید - ما خودمان نفت استخراج کنیم و آن را با خریدار معامله نمایم کسی می تواند بگوید که این پیشنهاد در منافع ایران نیست و برخلاف مصالح ایران است ؟

هر گاه نویسندگان اینطور نتیجه بگیرند که ندادن امتیاز بدولت شوروی برای این است که معادن نفت شمال استخراج نشود و بماند تا هر وقت که سیاست انگلیس نفوذ پیدا نمود آن را انگلیس استخراج کند عرض میکنم که اگر کار دولت انگلیس یا انجارسید که توانست به معادن نفت شمال ما دست یابد مانعی نخواهد بود که اگر ما بدولت شوروی امتیاز هم داده باشیم معادن استخراج شده را تصرف نماید .

ایران امروز را با ایران قبل از مشروطیت نباید مقایسه کرد ، آرزوی که امتیاز داری داده شده نه سطح معلومات مردم بدرجه ای بود که معنای امتیاز و عواقب وخیم آن آن را بدانند و نه در سیاست بین المللی نفت مثل امروز حائز اهمیت بود - ایران امروز با آن روز بسیار فرق دارد .

آن روز در این مملکت این شرکت های سهامی و این کارخانجات تشکیل و تأسیس نشده بود و ایران از خود يك كيلومتر راه آهن نداشت ما با سرمایه خود راه آهنی ساختم که قسمتی از فتوحات متفقین مرهون کار و سرمایه ماست .

امروز روزیست که هر کسی می خواهد شرکتی تشکیل شود و سرمایه خود را بیورد تا مملکت از کار و سرمایه استفاده کند .

دادن امتیاز بخارجی راه تجارت و معاش را بر مردم این مملکت محدود مینماید ما چرا کاری کنیم که این مملکت ترقی نکند ؟ ما چرا اقدامی کنیم که راه معاش مردم بسته شود ، ما چرا میخواهیم که تحت رژیم تحت الحمایگی زندگی کنیم ؟ ما چرا استخراج نفت خود را ببلبل دیگر واگذاریم و به دنیا ثابت نمایم که ایران لیاقت استخراج معادن خود را ندارد .

من عرض میکنم که می توانیم مثل شرکت نفت انگلیس و ایران شرکتی تأسیس کنیم ولی یقین دارم که میتوانیم نفت استخراج کنیم «البسور لایسقط بالمسور» ما باید ببینیم که ملل عالم چطور وطن خود را حفظ میکنند و تا کاری در مصالح مملکت و وطن نباشد نیکنند .

ما باید در وطن دوستی از متفقین خود پیروی نمایم ، من هیچ وقت نمی گویم که دور ایران را باید دیوار چین کشید و از ثروتی که خدا بها داده است دیگران استفاده نکنند .

من این شعار سیاسی خود را بدولت دوست و مجاور اعلام میکنم که ایران باید منافع ثروت خود را مانند يك مالک بالغ ورشید حفظ کند و از حاصل آن ملل مشرقی مخصوصاً همسایگان را متمتع نماید .

من از آقایان مدیران چراید خواهانم که از تقید طرح من صرف نظر کنند و این خدمت را بهمه تاریخ گذارند و از این بعد از محاسن امتیاز صحبت کنند و حقیقت امر را بر عمامه روشن نمایند و چون طرح قانونی من فقط شامل دولت میشود برای آقایان نمایندگانی که بطرح من عقیده نداشتند چه مانعیست هر طرحی را که برای استخراج نفت صلاح می دانند بمجلس پیشنهاد نمایند مجلس که آنرا تصویب نمود دولت هم بر طبق قانون مجلس قرار داد را امضاء مینماید و باین طریق افق تاریک مملکت را روشن مینماید .

در جواب آنها بیکه اعتراض میکنند چه مطرح قانونی افغای قرارداد نفت جنوب را امضا نکرده ام عرض مینمایم که تصویبات مجلس بردو قسم است : ایقاع و عقد .

افغای قرارداد نفت جنوب

۱ - قسمت مهم تصویبات مجلس ایقاعات است . *actes unilateraux* این قبیل قوانین چون طرفی ندارد همان طور که مجلس آن ها را وضع میکند بر حسب مقتضیات می تواند آنها را نسخ نماید و قانون فروش املاک موقوفه که از مصوبات دوره دیکتاتور است و بعد از شهر یور ۱۳۴۰ الفا شد داخل در این قسمت است .

۲ - قسمت دیگر تصویبات است *actes bilateraux* که مربوط با اسناد است که اصل ۲۴ قانون اساسی تعیین میکند عهد نامه ها و مقاوله نامه اعطای امتیازات « انحصار » تجارتنی و صنعتی و فلاحتی و غیره که اسناد مزبور وقتی ارزش قانونی دارند و معتبرند که مجلس قرار دادی را که دولت فصولنا امضا میکند تصویب نماید .

و نظر باینکه هر قرار دادی دو طرف دارد و بایجاب و قبول طرفین منعقد می شود لذا تا طرفین رضایت باثبات ندهند قرارداد ملنا نشود و اینکه نویسنده محترمی در یکی از روزنامهها اظهار عقیده میکند : « همان طور که مجلس قانون فروش املاک موقوفه سابق - الذکر را ملنا کرد همان طور هم میتواند قرارداد شرکت نفت انگلیس و ایران را ملنا کند » قیاس مع الفارق است .

مجلس نمی تواند قانونی را که برای ارزش و اعتبار عهد بین المللی و قرار دادها تصویب میکند بدون مطالعه و فکر و بدست آوردن راه قانونی الفا نماید .

چه بسیار از پیمان ها که غیر از زور مبتانی ندارند و بر ضرر ما منعقد شده اند و ما بجای اینکه آنها را الفاه کنیم بواسطه ضعف و ناتوانی تحسین مینمایم اگر من طرح افغای امتیاز داری را امضاء مینمودم چه مانع بود که دیگران هم طرح هائی تهیه کنند مثلا طرح افغای عهد نامه مودت ایران و شوروی که بهترین عهد نامه ای است که برای روابط بین المللی دو دولت منعقد شده است و با عهد نامه خط سرحدی ایران و ترکیه و عهد نامه حکمیت دولت ترکیه راجع بتجدید حدود ایران و افغانستان و بالاخره نسخ بعضی عهد نامه های قرن ۱۹ که بموجب آنها مرز فعلی ایران تعیین شده که اغلب آنها بر ضرر ایران منعقد شده است و در صورتیکه من طرح افغای عهد نامه داری را امضا می نمودم میبایست طرح های دیگر را هم امضا کنم و بین ایران و مجاورین خود تولید تقاری کم که عقلائی عالم نتواند رفع نمایند .

پس مقصود من از « موازنه سیاسی » این نیست که ما حساب دیرینه خود را با دولت مجاور تصفیه کنیم و بهر یک کم داده ایم ما تقص آنرا بدهیم و بهر کدام اضافه داده ایم ما زائد آن را مسترد کنیم « توازن منفی » چنین اقتضای کند که از این بعد بهیچ دولتی برخلاف مصالح خود چیزی ندهیم .

در سال ۱۳۰۶ شمسی که دولت وقت لایحه قانونی استخدام دکتر میلیبجو را بمجلس پیشنهاد کرد و ماده آن در ۴ اسد بدین طریق گذشت « دولت ایران

دکتر میلیبجو خادم ایران نیست

بدون تصویب کتبی وزیر مالیه و رئیس کل مالیه مطلقاً تمهید مالی نخواهد کرد و همچنین دولت تمهید میکند که هیچ منافع دولتی یا انتقال وجوه عمومی نخواهد شد مگر با امضای وزیر مالیه و

من دانستم که قرارداد وثوق الدوله بصورت دیگری اجرا میشود والا معنا ندارد که برای دولت ایران قیمی معین شود که بدون تصویب او نتواند تمهیدی کند و چون هر تمهیدی یا ایجاب و قبول دو طرف واقع میشود معلوم نیست که طرف دولت ایران کدام دولت بوده که چنین تمهیدی را در مقابل او نموده است و اختلاف نظر من با آقای تقی زاده که از نمایندگان دوره پنجم و ششم بوده ایم راجع به همین اختیارات بوده است.

پس از اینکه در دوره ششم تقییه رضاشاه برای استقلال شخص خود با تجدید استخدام دکتر موافقت نه نموده و دکتر رفت روزی با مرحوم حسن پیرنیا مشیرالدوله صحبت در میان بود در جواب سؤال من که چطور شد دکتر میلیسپو رفت فرمود: «در این مملکت هر وقت دولت ها دوام داشته اند و مورد اطمینان بوده اند دولتیان را با نظریات خود را بوسیله آنها اجرا کرده اند و هر وقت دولتها متزلزل بوده اند مستشار آورده اند که مدتی دوام کند و اسرار حق را بکسی بگویند که بتوانند دهانش را مهر نمایند آن وقتی که دکتر آمد آزمایش سردار سپه تمام نشده بود پس از آزمایش او بمقام سلطنت رسید دیگر چه احتیاجی هست که دکتر بماند.»

چه خوب تشخیص داده بود آن مرد وطن پرست و امروز نیست که «بیند در شهر پور ۱۳۲۰» که رضاشاه رفت دکتر میلیسپو مراجعت کرد.

اگر دکتر خادم این مملکت بود چرا دو میلیون لیره ادعای دولت انگلیس را برای پولنهاییکه در آن جنگ از نظریه شرفت سیاست خود خرج نموده و بعرو و زید داد بدون تصویب مجلس شورای ملی تأدیبه کرد.

مگر دو میلیون لیره که امروز نرخ بین المللی متجاوز از ۲۵ میلیون تومان و مطابق داد و ستد مسکوک طلا در بازار متجاوز از ۵۰۰ میلیون میشود کم پولی است که بتوان از آن صرف نظر کرد.

اگر دکتر تابع مقررات این مملکت بود چرا برخلاف اصل ۲۵ قانون اساسی که میگوید:

«استفسار دولتی بهر عنوان که باشد خواه از داخله خواه از خارجه با اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی خواهد شد» ۵۰۰ هزار لیره از شرکت نفت انگلیس و ایران قرض کرد.

چون هوا خواهان او برای اینکه او را تبرئه کنند می گویند پیش قسط گرفته است لذا عرض میکنم که ۳۰۰ هزار لیره سود این استفسار را از کدام اعتباری که مجلس تصویب کرده بود تأدیبه کرد چگونه ممکن است که عوائد سالهای نیامده را گرفت و خرج سال جاری کرد؟!

اگر خادم این دولت و غیر خواه این ملت است چرا سهمیه دولت ایران را که کمیته خاورمیانه معین کرده بود وارد نکرد و مردم را دچار فقر کرد؟ اگر برای آوردن قند پول نداشت وقتی که بازار سیاه در این مملکت هست چرا بتجار اجازه نداد که سهمیه ایران را آنها وارد کنند؟!

اگر مطابق فصل ۴ بیان ایران و متعین حضورشون خارجی در ایران تصرف نظامی نیست چرا دکتر اجازه میدهد که کلنل معطاء اله خان هندی و صاحب منصبان انگلیسی در مرکز و دولایات در ادوات ما دخالت کنند؟!

من برخلاف مدرک اظهاری نمیکنم و آگهی اداره غله و نان کورمانشاه را که کاپیتن «یشاب» مستشار بریتانیا و «شبتن» ناظر جمع آوری امضاء نموده اند به مقام ریاست تقدیم میکنم.

اگر اوخیرخواه مردم بود بدون دلیل قریب دو سال راه غله را باهل تهران نیست و از فساد اخلاق و ارتشاء ترویج نمیکرد!

چون من نمیخواهم که برخلاف نزاکت مطالبی اظهار کنم بیش از این عرض نمیتوانم ملت ایران خدمات مسترشوشر را باین مملکت فراموش نمیکند و از مستخدمینی که امروز در کارند و وظایف خود را انجام داده اند قدر دانی میکنند و امید داریم که دولت از آنهایی که حفظ حیثیات این مملکت و ملت خود را میکنند استفاده کند. ملت ایران از احساسات پاک و بی آلاش نماینده عالی مقام دولت امریکا جناب «دریفوس» و خانم محترمشان نسبت باین مملکت سپاسگذار است. ملت ایران نمیخواهد که کسی بنام امریکائی بیش از این باین مملکت خیانت کند و اخلاق عده مؤثری را بوسیله مساعدتهای نامشروع فاسد نماید و از محبوبیتی که آن ملت در قلوب ایرانیان دارد بکاهد.

آقای نعت وزیر و عده دادند که در ظرف ده روز تکلیف دکترا را معلوم کنند از اینکه دولت قبل از انقضای موعده لایحه خود را آورد متشکرم ولی متأسفم که لایحه دولت کار ما را مشکل تر میکند زیرا بر

مخالفات با لایحه دولت

طبق ماده واحد پیشنهادی که اینطور تنظیم شده: «قانون اختیارات آقای دکتر میلیپو رئیس کل دارائی مصوب ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۲ از اول دیماه ۱۳۲۳ فسخ و اختیارات مذکور در آن قانون بدولت واگذار میشود. دولت مکلف است از تشکیلات قسمت اقتصادی وزارت دارائی آنچه لازم میدانند نگاهداری یا بوزارتخانه های دیگر منتقل نموده و آنچه غیر ضروری تشخیص دهد منحل کند و نیز مجاز است قسمتی از تشکیلات را بطرز بازرگانی اداره نماید» دولت در تشکیلات اقتصادی مملکت مجاز است به طریق عمل کند.

(۱) - بعضی از آنها را در خود وزارت دارائی نگاهدارد و یا بوزارتخانه های دیگر منتقل کند.

(۲) - قسمتی از تشکیلات را بطور بازرگانی اداره نماید.

(۳) - تشکیلاتی را که لازم ندارد منحل کند.

از آقای نعت وزیر سؤال میکنم که راجع باختیارات دکتر که بر طبق تبصره ۱ ماده اول قانون ۱۳ اردیبهشت برای تعدیل مال الاجاره ها و ماده ۶ قانون مزبور برای سایر امور اقتصادی میتواند آئین نامه هائی تنظیم کند نظر دولت چی است؟ آیا نظر دارند از این حتی که مجلس نمیتوانست بکسی بدهد استفاده کنند یا میخواهند ب مردم ترحم کنند و از آن صرف نظر نمایند.

و چون با انحلال تشکیلاتی که زائد است و دولت آنها را منحل میکند مواضع نظریات خود را در قسمت اول و دوم عرض میکنم.

قسمتی از تشکیلات که در وزارت دارائی بحال خود میماند باید نعت نظر مستقیم دکتر اراده شود و چون دکتر با التای قانون ۱۳ اردیبهشت مخالف است برای اینکه در امور اقتصادی معتقد است که مراسلات را یک نفر امضا کند و امضای وزیر را که موجب تأخیر

امور میداند زائد می‌شمارد و کنترلوری کار را اداره میکند که روزگاری از این هم سیاه تر شود وقتی هم که بوزارتخانه های دیگر منتقل میشود چون آنها هم تحت نظارت او باید اداره شوند از این بهتر نخواهد شد.

و اما راجع بآن قسمتی که دولت بطرز بازرگانی اداره کند از دو صورت خارج نیست یا آزاد است و یا انحصار.

(۱) - بطور آزاد مثلا دولت از خارج قند وارد کند و تجار هم وارد کنند که عرض میکنم این بازرگانی برای دولت غیر از ضرر نتیجه ای ندارد چونکه دولت تاجر خوبی نیست و نمی تواند با تاجر اهل حرفه و صاحب کار رقابت کند لذا نتیجه کار دولت قطع ضرر است.

۲ - بطور انحصار مثلا قند را خود دولت وارد کند و بهر قیمتی که میخواهد بفروشد.

اولا موقیبه خواهد قرارداد خرید قند را امضاء کند بموجب قسمت آخر ماده نهم قانون استخدام دکتر میلیسیو که از این قرار است:

« هیچ نوع تعهد مالی بوسیله یا بنام دولت ایران بدون تصویب کتبی وزیر دارایی و رئیس کل دارایی صورت نخواهد گرفت. »

رئیس کل دارایی باید مواظت کند چون در حکم «مار زخمی» شده است بقدری لجاجت خواهد کرد که دولت نتواند قراردادی امضاء کند و نتیجه این خواهد شد که قند وارد نشود و دکتر بریش کسانی که با قانون ۱۳ اردیبهشت مخالفت کرده اند بختند و بعد از اینکه خود او کار مملکت را با اینجا رسانیده است ثابت کند که ایرانی نمیتواند خود را اداره نماید و ایرانی به قبری ناتوان است که اشخاصی مثل دکتر که محتاج قیمتند باید ایران را اداره نمایند.

ثانیاً - بر طبق ماده ۸ قانون استخدام دکتر میلیسیو مورخ ۲۱ آبان ۱۳۲۱ رئیس کل مالیه میتواند که در تشکيلات بنگاه های که با سرمایه دولت اداره میشوند نظر کند بنا بر این از روز اولی که هر بنگاه تاسیس شود میتواند اعمال نظری که برای خرابی کارهای بنگاه لازم میداند بنماید.

هیچکسی نباید راضی شود که دولت کاری را بطور بازرگانی اداره کند و کسی در آن تفتیش ننماید و مردم ندانند که نتیجه کل بنگاه مفید است یا مضر و هیچ وزارتخانه ای برای تفتیش بیش از وزارت دارایی صلاحیت ندارد - تجارت انحصاری کاری نیست که بنگاه ضرر کند و جامعه بسوء اداره بنگاه پی ببرد - هر بنگاه بازرگانی میتواند نرخ را طوری بالا ببرد که هر قدر بد اداره شود و هر قدر در آن اختلاس شود در حساب خج و ضرر مبلغ هنگفتی سود قلمداد کند و خود را در جامعه سر بلند نماید ولی این راهم باید در نظر گرفت که جامعه از گران فروشی بنگاه متضرر میشود و ضرر جامعه ضرر دولت خواهد بود بنا بر این در بنگاه های بازرگانی هم تفتیش لازم است و این تفتیش را نمیتوان برای اینکه دکتر میلیسیو در رأس وزارت دارایی قرار گرفته است و حسن نیت ندارد از آن وزارتخانه منتزع کرد.

پس آقای قانون ۱۳ اردیبهشت نه تنها مفید نیست بلکه مشکلی بر مشکلات می افزاید و موجب کشمکشهایی میشود که مجلس باید از تمام وظایفی که دارد دست بکشد

و بین دولت و دکتر حکم شود آنهم در صورتی اثرمی کند که دکتر حکمیت مجلس را قبول کند .

الغای قانون ۲۳ جوزا

در دوره سیم تهنیه که مردم از خزانه دار بلژیکی شکایت مینمودند (و ایکاش همه اکنون بودند و رفتار کتر ربا رفتار مر نارد خزانه دار که کوهی در مقابل کاهی است می دیدند) چند نفر وابسته سفارت دولت تزاری برای ابقاء خزانه دار میگفتند تا قانون تشکیلات وزارت مالیه از مجلس نگذرد و کسی قائم مقام مر نارد نشود برداشتن او از کار صلاح نیست «مر نارد» هم اعمال نفوذ میکرد و یک عده ای از وکلای مجلس را با خود موافق مینمود که قانون از مجلس نگذرد و همیشه خزانه دار باشد .

بنظر رئیس دولت وقت مرحوم حسن پیرنیا (مشیرالدوله) راه حلی رسید و این بود که قانون ۲۳ جوزا که مینای عملیات خزانه داری بلژیکی بود الغا شود و هیئتی مرکب از سه نفر در مالیه نظارت کنند تا قانون تشکیلات از مجلس بگذرد .
۲۶ حوت ۱۲۹۳ شمسی قانون از مجلس گذشت و بطور خلاصه از این قرار است :

- ماده ۹ - تمام ادارات موجوده وزارت مالیه از خزانه داری و غیره در تحت ریاست مستقیم وزیر مالیه باشد .
- ماده ۴ - مجلس کیسیونی مرکب از سه نفر از بین ۱۵ نفری که دولت پیشنهاد کند انتخاب نماید .
- ماده ۳ - کیسیون مزبور در کلیه عایدات و مخارج دولت نظارت داشته و تفتیشات لازمه را در ادارات مالیه بعمل آورد .
- ماده ۴ - کیسیون هفته یکمرتبه صورتی از کلیه وجوهات نقدی خزانه توسط وزیر مالیه بمجلس تقدیم کند .
- ماده ۵ - مأموریت کیسیون از روز ۲۸ حوت تا یکماه خواهد بود .

در اینجا لازم است عرض کنم چون دولت نتوانست در مدت یکماه لایحه قانون تشکیلات را پیشنهاد مجلس کند بعد از اینکه مدت کار کیسیون دوم مرتبه تجدید شد در ۳۰ تور ۱۲۹۴ شمسی مجلس مدت کار کیسیون را تا ۲۰ روز بعد از گذشتن قانون تشکیلات از مجلس تمدید نمود که مجلس قانون را تصویب کند و دولت هم فرصت داشته باشد که بر طبق قانون ادارات را تشکیل دهد پس از آن کیسیون منحل شود .

قانون مزبور نتیجه خوب دادگی است که بگوید یک خارجی آنهم دکتر میلیسپو از چند نفر ابرارانی نسبت به دارائی این مملکت دلسوز تر است؟ لذا من طرحی تهیه نموده ام که اختیاراتی که قانون دهم آبانماه ۱۳۲۱

طرح دکتر مصدق نسبت بالغای اختیارات دکتر میلیسپو

بد کتر می دهد و قانون ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۲ الغا شوند و مجلس هیئتی مرکب از ۵ نفر انتخاب کند که تا دولت برای تشکیلات وزارت دارائی لایحه ای بمجلس نیاورده و از تصویب مجلس نگذشته است متحد المال های و نگارنگ اجرا شود و چنانچه در فهم آنها برای آن هیئت اشکالی روی دهد آقای دکتر میلیسپو که قرارداد استخدام ایشان نسخ نشده آنها را

طرح دکتر مصدق نسبت باقائات اختیارات مینویسید

۲۲۷
تفسیر کند و توضیحاتی که هیئت نامبرده میخواهد بدهد تا در ظرف سه ماه لایحه دولت در مجلس تصویب شود.

بدیهی است که دولت میتواند هر طور صلاح میداند لایحه خود را تنظیم کند چنانچه نظر دولت این باشد که برای امور اقتصادی وزارتخانه یا اداره خاصی تشکیل دهد امور اقتصادی را از دارائی مجزا کند و برای هر کدام لایحه خاصی تنظیم کند و الا يك لایحه برای وزارت دارائی تنظیم کند که شامل امور مالی و اقتصادی هر دو بشود. نظر من فقط این است که تا تکلیف تشکیلات معلوم نشده بدون مطالعه و دقت در وضعیت کنونی تغییری داده نشود و هیئتی یا انتخاب مجلس امور وزارت دارائی را تحت نظر بگیرد که موجب اطمینان مردم شود.

در امور دارائی هیچ بهتر از این نیست که دولت اعتماد جامعه را بخود جلب کند زیرا مردم مالیات میدهند و باید اطمینان حاصل کنند که پول آنها بصرف جامعه میرسد بنا بر این هر قدر جامعه به تشکیلات دولت اطمینان حاصل کند اخذ مالیات سهل تر است هر گاه گفته شود که يك هیئت پنج نفری مورد اعتماد بین اعضای مجلس و کارمندان دولت پیدا میشود باینجهت امور دارائی ازد کمتر نباید منتزع شود اقرار است که ما بر عدم لیاقت خود می گنیم و معلوم نیست آقایانی که رأی به پیشنهاد من داده اند چه انتظار دارند که ایرانی خودش معادن نفت خود را استخراج کند!

من بوظیفه يك ایرانی و اینکه نماینده ملت نظریات خود را عرض میکنم، شما هر چه وظیفه دارید عمل کنید. دیگر غیر از قرائت طرح خود عرضی نمیکنم و از آقایان محترم که با فکر من موافقت در خواست میکنم که طرح مرا که در چهار نسخه تهیه شده بامضای موافقین برسانند و مخصوصاً استدفا میکنم همانطور که نسبت به پیشنهاد من راجع به ندادن امتیاز نفت عمل نمودند امروز هم از جنبه بیطرفی خارج نشوند و در مجلس تشریف داشته باشند تا کار تمام شود:

طرح آقای قانون اختیارات مینویسید

ماده اول - اختیاراتی که بر طبق قانون ۲۱ آبان ماه ۱۳۲۱ و قانون ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۲ بد کتر مینویسید داده شده ملغی است.

بنام هیئت نظارت دارائی هیئتی مرکب از پنج نفر تشکیل خواهد شد که مجلس ۳ تهران را از بین شش نفری که دولت پیشنهاد میکند و دو نفر دیگر را از بین اعضای خود انتخاب می نماید مدت خدمت هیئت مزبور سه ماه و وظایف آن این است که تمام نوشتهجات وزیر دارائی یا کفیل و یا معاون را راجع بامور دارائی و اقتصادی قبل از امضای آنها تصدیق کند.

هیئت نظارت دارائی برای انجام وظایف خود میتواند هر يك از کارمندان دولت را يكك خود دعوت نماید.

ماده دوم - دولت مکلف است که متن دوماه لایحه ای برای تشکیلات جدید دارائی و اقتصادی تنظیم و بمجلس پیشنهاد و مقررات این قانون را اجرا نماید.

دکتر محمد مصدق (۱)

۱- این طرح بامضای سی نفر از نمایندگان رسید ولی بقیه نمایندگان از امضای آن امتناع نمودند.

<p>حمله پیشه‌وری بدکتر مصدق</p>

این نطق دکتر مصدق نیز مانند سایر نطقهای ایشان مورد تفسیر و تاویل جراید مخالف و موافق قرار گرفت و هر کدام نظریات خود را

بنحوی درج و منتشر نمودند چون نقل کلیه مطالب جراید مزبوره موجب تطویل کلام میشود لذا از درج کلیه آنها خود داری و فقط مندرجات روزنامه آژیر را در ذیل نقل می‌نمایم:

پیشه‌وری در سر مقاله شماره ۳۲۹ روزنامه «آژیر» مورخ ۳ دیماه ۱۳۲۳

چنین مینویسد:

در پیرامون خطابه آقای دکتر مصدق - دعوت با اتحاد

چنانکه من در هفته دیده‌ام تردید ندارم که اگر اتحاد جماهیر شوروی از صحنه سیاست بین‌المللی ما غایب شود برای ما در هوای آزاد هم نفس دهنوار است
«از خطابه آقای دکتر مصدق»

آقای دکتر مصدق از اینکه در میان ملت ایران مبارزه و مناقشه شدید مشاهده می‌شود متأسف هستند و می‌ترسند دامنه این مناقشه بجدال و بقول خودشان به برادر کشی بگشاید بنا بر این میل دارند سیاستیون این دوره به آزادیخواهان صدر مشروطیت تاسی کنند و از سیاست بشام معنا ایران پیروی نمایند - این نظریه کاملاً صحیح است؛ اگر هر ایرانی بخواهد غیر این بکند خائن است؛ هدف اشخاص باایمان البته باید حفظ آزادی و استقلال میهن خود باشد و این هدف روی «سیاست کاملاً ایرانی» تعقیب شود.

در این هیچگونه جای بحث و ایراد نیست و نمیتواند باشد ولی مناقشه وجدانی که در جامعه پیدا شده بر بی اساس نیباشد مبارزینی که مشاهده میشوند همه روی منافع خصوصی و استفاده‌های آنی مادی برضد یکدیگر بر نهاده‌اند - مادلان میخواست آقای دکتر مصدق در غلل پیدایش دسته بندی‌ها قدری تعمق میکردند - مطلب باین سادگی هم نیست مناقشه و مباحثه باین بزرگی روی منافع انفرادی چند روزنامه نویس پیش نیاید؛ علتهای این را در خود جامعه باید جستجو کرد - خود آقای دکتر مصدق بدون این که قصد آنرا داشته باشند در همین خطابه اخیر خود یکی از علل بزرگ آن کشمکش شدید اشاره کرده‌اند؛ منتها در قسمت دیگر خطابه آنرا فراموش کرده نتوانسته‌اند ریشه کلام رایج نتیجه مثبت مربوط بکند آقای دکتر در همین خطابه گفته‌اند: «وقتی از تبعیت نظارت و تبعید آزاد شدم که دولت شوروی در صحنه سیاست این مملکت دخالت کرد» - آقای دکتر مصدق ریشه تمام مناقشات زیر این عبارت ساده شما است «پیدایش سیاست شوروی تنها شما را از تبعیت نظارت شدید مأمورین شهربانی نجات نداد بلکه اکثریت ملت ایران بواسطه این سیاست جان گرفت؛ پیدار شد و وسیله پیدا کرد که در سیاست کشور مداخله نماید» اگر شما نتوانستید از طرف ساقین پایتخت «وکیل اول» انتخاب بشوید قطعاً روی این پایه و این اساس بودم است، مردم بی‌فرض ایران درست مطابق عقیده و سلیقه شما معتقد شده‌اند که «اگر اتحاد

جماهیر شوروی از صحنه سیاست بین‌المللی غائب شود برای آنها در هوای آزاد هم تنفس دشوار خواهد بود» برای این است که ملاحظه می‌فرمایید عده بیشماری «شمال» را قبله حاجت خود شناخته‌اند از گفتن و نوشتن این‌هم عار ندارند - آقای دکتر مادام که شما خودتان میدانید سیاست اتحاد جماهیر شوروی نباشد زندگی برای اکثریت ایرانیان حرام و غیر ممکن خواهد بود برای چه به تسایلی که مردم نسبت بدوستی اتحاد جماهیر شوروی ابراز میکنند اظهار عدم اعتقاد و بدبینی فرموده آنرا جار و جنجال می‌شمارید. نه آقای دکتر، مبارزهای که مابین عناصر ارتجاعی و آزادی طلب در گرفته است چار و جنجال بیهوده نیست؛ آنرا چند نفر مین فروش و خائنی یا احق «اوتویست» راه نینداخته‌اند عده ای میکوشند تا بتوانند در هوای آزاد تنفس بکنند، برای این تنفس دوستی اتحاد جماهیر شوروی را مانند شما لازم دانسته از آن با کمال سر بلندی جانبداری میکنند. عده دیگر مخالف ابرال لازم دارند؛ اینها خیال میکنند با پیدایش سیاست شوروی از آقای و مطلق العنانی و زورگویی آنها ممکن است جلوگیری بشود. برای این بر علیه دسته اولی که خودتان هم بدانسته



سید جعفر پشاوروی معروف مدیر روزنامه آذرب

یا ندانسته ناچارید با آنها باشید. نبرد میکنند، این يك پیش آمد طبیعی است احد وسط ندارد - شما نمیتوانید يك سیاست ثالثی ایجاد بکنید زیرا سیاسی که تا بحال بطور انحصاری در کشور ما تسلط داشته است شما اجازه نخواهد داد تنفس بکشید و بتوانید از جای خود تکان بخورید - مجاهدین صدر مشروطیت هم غیر از این سیاستی نداشتند، آنها نیز برای حفظ آزادی از سیاست خارجی استفاده کرده و با مساعدت دولتی که سیاست آن روزی با مقاصد و آرزوهای آنها جور می‌آمد بر دشمن داخلی و خارجی خود ضائق آمده اصول مشروطیت را روی کار آوردند - شما خودتان در یکی از خطابه‌های

پایخ پیشه وری بدگتر مصفق

خود صریحا اعتراف کرده فرمودید: « وقتی سفارت انگلیس قبله حاجت یا مسجد ایرانیان آزادیخواه بوده است » امروز هم ممکن نیست بتوانید زیر این حقیقت زده بگردید ملت ایران و آزادیخواهان صدر مشروطیت بتهائی باستناد توانائی داخلی خود بود که باستبداد غلبه کرده پرچم آزادی را باهتزاز در آورده اند - آقای دکتر دنیا پیش میروند و جامعه تغییر پیدا میکنند. جمعیتها دولتها نیز مانند اشخاص و اشیاء تغییر ماهیت میدهند، تا کنیک و روش و سیاستها هم قطعا باید دائما در تحول و تغییر باشند. پربروز سیاست دولت تزاری روس مانع تنفس و آزادی ملت ایران بوده لذا با کمک دولت مشروطه انگلیس مجاهدین صدر مشروطیت بر علیه او مبارزه کرده خود را نجات دادند امروز بنا با اعتراف صریح خودتان اگر سیاست دولت اتحاد جماهیر شوروی نباشد همه ماها از آزادی محروم خواهیم شد. بنا - برای این اگر آزادی خواهان امروز طرفدار این سیاست نجات دهنده و آزادی بخش باشند چه گناه عظیمی مرتکب شده اند؟! چرا باید مقام آزادی خواهی آنها در نظر شما از مقام آزادی خواهان صدر مشروطیت پائین تر باشد؟! آیا شما واقعا معتقد هستید که نمیتوانید جلو این مناقشات را بگیرید؟ یعنی کاری نکنید که گرگ گوسفند با هم زیر یکبام زندگی نمایند؟ آقای دکتر این کار بعید بنظر میاید امروز را با دوره صدر مشروطیت هم نمیشود مقایسه کرد در صدر مشروطیت زمام امور دست عناصر ضعیف تر و عقب مانده تر بود زمامداران کنونی ایران مردمان زرتک و ناقلائی هستند با معلومات عصر مجهز شده اند، منافذ طبقاتی خود را بخوبی تشخیص داده از روی نقشه و برنامه مینشی دارند از مقام و موقعیت خود مدافعه میکنند سیاست خارجی هم متأسفانه کاملا بیطرف نیست، شما بنا میفرمایید اسلحه خود را زمین گذاشته تسلیم بشویم، خودتان از همه بهتر میدانید که ما بنیر از قلم و زبان و اتحاد و یگانگی صاحب چیزی نیستیم همه چیز مملکت دست آنهاست؛ میزنند می چسباند، خورد می - کنند، پیش میروند و بنا میگویند حق اعتراض هم ندارید؛ شتر دیدی ندیدی - باید گوشتان کر، چشمتان کور و زبانتان لال باشد - نه بینید، نشنوید و نگویید تا ما هر چه دلیمان بخواهد بکنیم و هر سیاستی با منافع خودمان جور میاید بکار بیندیم - آقای دکتر، اتحادی که شما تبلیغ میکنید آیا باین وصف یکخیال مجال و یک «اوتویی» بی پروا پایه ای نیست؟ کی و کجا دیده شده است مظلوم با ظالم، صاحب خانه یادزد، مستدیده با بیدادگر، حاکم با محکوم غنی با فقیر، و اهزن با مسافر تواند اتحاد بکنند از این اتحاد آیا میتوانید ما اطمینان بدهید قطع اقویا استفاده نخواهند کرد؟ بدین وسیله حلقه زنجیر اسارت و بردگی ما را محکم تر نخواهند نمود. آقای دکتر مصدق شما سر یک دوراهی بزرگ قرار گرفته اید، راه سوم وجود ندارد یا باید با ملت، با مردم، با توده و با آزادی خواهان باشید و بدون تردید از سیاستی که آزادی و استقلال میهن ما را تدریر دارد پیروی نکنید، یا باید به مرتجعین و دشمنان آزادی و آنهائی که برای گرداندن دوره زورگویی مبارزه میکنند ملحق بشوید حد وسط و شرط و قید امکان پذیر نیست، کوسه وریش پهن هم نمیشود. ما قبول داریم که شما زندگانی لوکس و اشرافانه ای ندارید، ما میدانیم که شما در دوره دیکتاتوری زحمت بسیار کشیده و محرومیت های فراوان دیده اید، ما اطمینان داریم که شما مرد باوجدان و پاک نیتی هستید، املاک خودتان را بلاعوض یا اختیار بیارستان گذاشته اید و می کوشید بطور انفرادی هم باشد زندگانی بیچارگان را تسهیل نمائید - با وجود این فراموش نفرمایید که عالم بشریت بیشتر از « گراف لئون تولستوی » که مزارع خود را میان دهقانان تقسیم کرده بود و در زندگانی روزمره آنها دخالت کرده و در بنای کلبه و حتی در

ساختن تنور شخصاً و عملاً با آنها کمک میکرد مدیون «ولادیمیر ایلیچ اولیانف لنین» است که تعالیم عالی او در عالم اساس آزادی و مساوات اجتماعی را عملاً بنا نهاده یکصد و چند میلیون زارع روس را از قید و بند اسارت و بردگی نجات بخشیده است. آقای دکتر، نجات ایران در «آزادی» است، اگر آزادی نباشد استقلال و میهن‌وهمه محکوم بزوال است؛ اینرا من و شما اقلاً باید دانست باشیم، شما خیال میکنید اگر همین آزادی پوشالی نبود میتوانستید از تریبون مجلس دو کلمه حرف بزنید؟ من و شما و امثال ما همه زنده بودیم که امتیازداری را با آن اقتضای آقای تقی زاده بمجلس آورد و نمایندگان با احسنت و سلام و صلوات آنرا تمدید نموده دودستی تقدیم کیهانی نعت جنوب کردند!! آقای دکتر از اجتماع نرسیده، از احزابی که روی پرنسب و مرام تشکیل شده اند بیم نداشته باشید، خود سری و مطلق‌القنای و بند و بست زیر چلگی خطرناک است، مردمان بی عقیده و بی مسلک و بی هدف را باید بیابید، رشتملی را اشخاص منفرد نمیتوانند بمالیان ثابت بکنند امروز دنیا را سازمان‌ها و احزاب اداره میکنند اشخاص متزلزل، بی هدف و مردود اسباب مسخره است هر دم دنیا امروز بدو تکیه و دو دسته بزرگ تقسیم شده اند ما هم باید حساب کار خود را کرده دوستان و دشمنان خود را بشناسیم، روی منافع و مصالح کشور خود یکی از آنها ملحق شویم چاره دیگر نیست. هر کس میگوید: «ایرانی تنها بدون در نظر گرفتن سیاست بین‌المللی میتواند به هدف و آرمان ملی خود برسد.» احمق است یا خائن. امیدوارم آقای دکتر مصدق از هر دو این طایفه دور باشند و در تحت تأثیر حرفهای آنها نروند و از ملت چیزهایی نخواهند که دادن آن امکان پذیر نیست. (جواب مندرجات آژیر تفکیک مرام از سیاست کله از بعضی مطبوعات در شماره های جد (۱) دعای مقاله پیشه‌وری)

تجزیه و تحلیل در نظریات دکتر مصدق و پیشه‌وری	چنانکه نظریات دکتر مصدق را که در نطق ۲۸ آذر ۱۳۲۳ و نظریات پیشه‌وری در
---	--

شماره ۲۲۹ روزنامه آژیر که از نظر خوانندگان گذشت تجزیه و تحلیل کنیم ماباه الاشتراک و ما به الاقتراقی بین آنهاست که برای استحضار خوانندگان عزیز خلاصه میکنیم:

ماباه الاشتراک دکتر مصدق و پیشه‌وری هر دو معتقدند که ایرانی بدون در نظر گرفتن سیاست بین‌المللی نمیتواند به هدف و آرمان ملی خود برسد و چند مثال از جریان سیاسی مجلس ۱۴ کافی است که این مطلب روشن شود *

(۱) - دکتر هیلسیو و سایر مستشاران آمریکائی با نظریات دولت انگلیس بایران آمدند و دولت شوروی با آنها مخالف بود چون طرز کار آنها رضایت بخشی نبود و مردم شکایت داشتند مخالفت عده از نمایندگان مجلس علی‌رغم اکثریت مؤثر واقع شد و آنها از کلبه کنار شدند.

(۲) - دولت شوروی خواهان امتیاز نفت شمال بود و دولت انگلیس با دادن این امتیاز مخالف بود و مردم هم بواسطه امتیاز داری خصوصاً تمديد آن با دادن هر امتیاز جدیدی موافق نبودند و موافق نظر بین نمایندگان مجلس با استثنای نمایندگان حزب توده سبب شد که لایحه «تحریم امتیاز نفت» در مجلس تصویب شود.

(۳) - دولت شوروی با کمیسیون سه جانبه (کمیسیون قیومت) که شرح آن بعد خواهد آمد مخالف بود و نام آن کافی است که هر شنونده ایرانی را از آن متنفر و با آن مخالف کند این بود که مخالفت عدّه از نمایندگان در مجلس موثر واقع شد و دولت انگلیس و آمریکا از تعقیب پیشنهادی که برای تشکیل آن داده بودند صرف نظر نمودند.

نظر دکتر مصدق این است که رجال و احزاب سیاسی مملکت ما به الاقتراق با هیچیک از سیاست های خارجی «همکاری مستمر» نکنند استقلال و شخصیت خود را حفظ نمایند و هر وقت یکی از آنها تظاهراتی بنفع ایران نمود آنرا تقویت و سیاست ثالثی را که در نفع ایران نیست مغلوب کنند بعبارة آخری هیچوقت «موازنه منفی» را از نظر دور نکنند و هر یکی از سیاستها که تقاضای نامشروع نمود با کمک سیاست دیگر باو جواب منفی بدهند در صورتی که پیشه وری اینطور اظهار نظر میکند: «هر کس بگوید ایرانی تنها بدون در نظر گرفتن سیاست بین المللی میتواند به نفع و آلمان ملی خود برسد یا احمق است یا خائن» و از بین سیاستهای بین المللی و از نظر مرام «دولت شوروی» را توصیه میکند و تاریخ قضاوت نمود که در ایران این رویه عملی نیست و جریان نفت بعد از مجلس چهارده ثابت نمود که دول قوی اشخاص را فدای سیاست خود مینمایند و ایران باید بانگاه ایرانیان بماند.

دکتر مصدق میگفت از یکی از وکلای دادگستری پرسیدم که هلاک قبول دعاوی نزد شما چیست اظهار نمود: «حقانیت» - اگر کسی در اظهارات خود صادق است و کالت او را میپذیرم و از او دفاع میکنم اظهارات این وکیل را که برای وکیل دیگری نقل کردم گفت گوینده بر طبق قرارداد مبلغی در هر ماه از فلان السلطنه میگیرد که بطور استمرار از تمام دعاوی او بر دیگران و دیگران بر او دفاع کند بنابراین باید چنین داشته باشد که این موکل دائمی هر چه میگوید صحیح است. ۱ *

پس آنهایی هم که بطور استمرار از یکی از سیاستها جانبداری میکنند باید یقین داشته باشند که سیاست مزبور هیچوقت عملی برخلاف مصالح ایران نمیکند و معلوم نیست که این اطمینان را آنها بچه ترتیب تحصیل مینمایند!!

خلاصه اینکه «تمایل مستمر» محکوم به «بطالان» است و آنهایی که این طریق را اختیار کرده اند اگر موفق هم بشوند نمیتوانند اوضاع این کشور را از ممالکی که تحت نفوذ همسایه شمالی و جنوبی ماست بهتر کنند و مقایسه اوضاع ممالک تحت نفوذ و مستعمره با آن ممالکی که بقوای معنوی خود متکی هستند از قبیل: سویس و سوئد و فنلاند و امثال آنها که زیاد نیست «قیاس مع الفارق» است.

آنچه مذکور شد مربوط بروش سیاسی هر دولتی است که میخواهد خود را در صف دول مستقل قرار بدهد و سیادت خویش را حفظ کند و این جا است که باید مرام را از سیاست تفکیک نمود و استقلال مملکت را فدای مرام نکرد. اگر مملکت توانست استقلال خود را حفظ کند چه مانعی است که هر مرامی را هم که صلاح و متناسب با وضعیات خود دید قبول کند و الا مرام هم باید بر حسب مقتضیات سیاست عوض شود و مردم نباید مرامی را قبول کنند که بدریشان نفوذ و غذائی را بخورند که معدهشان آنرا هضم نکند و بسیار جای تاسف است که بعضی از جوانان پاکدامن و بیقرض هم نخواستند باین اصل مهم توجه کنند.

چنانچه مطالعه در اوضاع و احوال طبقات روشنفکر فعلی بشود تقریباً باین نتیجه میرسد که گروهی از نظر مرام و مقام پیروی از یکی از سیاستها و گروه دیگر از نظر جاه و جلال و مخصوصاً از دید ثروت پیروی از سیاست دیگر میکنند و شعار خود را این قرار داده اند که: «ایرانی بدون کمک یکی از سیاستها نمیتواند حقوق خود را حفظ کند» و مثل این است که گلستان را ورق زده و حتی این شعر شیخ اجل را هم نشنیده اند که میفرماید:

«که از چنگال گرگم در ریودی ولکن عاقبت گرگم تو بودی»

و غافلند از اینکه هر سیاستی که برای از بین بردن رقیب خود باما کمک کند مقصودش تا این استقلال مانیست بلکه میخواهد ما را تحت نفوذ خود بکشد و باین که ما را استعمار کند و بجای اینکه هر دو دسته هم آهنگی کنند و با صدای واحدی در مصالح کشور بکوشند برای آسایش و راحت خود و با بجهات فوق الاشعار

با این قناعت میکنند که بگویند هر کس در این راه قدمی برداشت گامیاب نشد و شاید بعضی نمیدانند که هیچیک از سیاستها بدون کمک عدای از خود ما نمیتواند بمقصود خود برسد پس وقتی که ما از کمک بآنها احتراز کنیم و قوای خود را در مصالح اجتماع خود بکار بریم البته موفقیت با ما است.

روزنامه «آتش» در شماره ۸۶۵ ششم به من ماه ۱۳۲۵ تحت عنوان «اسرار سیاسی تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان» مینویسد: «چرا حزب توده و مامورین بیگانه تغییر روش داده اند؟» این سوالی بود که هزاران آذربایجانی از اوائل سال ۱۳۲۴ از خود میکردند است زیرا تا اواخر سال ۱۳۲۳ تنها هدف حزب توده دست یافتن به پارلمان و نفوذ در بین طبقات فهمیده و روشنفکر کشور بوده است ولی از اواخر سال ۱۳۲۳ ناگهان یکباره تغییر عقیده داده و اصول حزبی را ردی انقلاب و اغتشاش قرار میدهد. برای درک این معما از چند نفر بازداشتی های دموکرات سوالی کردم هیچکدام نتوانستند جواب صحیحی بدهند ولی وقتی در مراغه در زندان خصوصی ژنرال گیری این سوال را از وی کردم چند دقیقه ای خیره شد بعداً دفترچه یادداشت خود را از جیب در آورده دادم در يك صفحه ای که مربوط به ۷ آبان ۱۳۲۵ بود چنین نوشته بود: دکتر مصدق در جلسه ۷ آبان ۱۳۲۳ مجلس شورای ملی چنین گفته «من با دادن هر گونه امتیاز از نظر اقتصادی و سیاسی مخالفم و چون تفکیک مسائل سیاسی از اقتصادی مشکل است و این دو سیاست با هم بستگی تام دارد پس لزوم ندارد ما بشرکتی که تابع يك دولت خارجی است و یا به يك دولت امتیاز دهیم تا اینکه در مملکت ما احداث این قبیل موسسات کنند و در خاک ایران دولتهای دیگری تشکیل دهند» پس از قرائت یادداشت فوق بمرحوم گیری گفتم این جواب سوال من نیست گفت جواب سوال تو همین است زیرا وقتی که بیگانگان دیدند در ایران با آنها نفت داده نمیشود و انتخابات مجلس هم بعد از عزیمت آنها صورت خواهد گرفت برای اینکه امتیاز نفت را عملی کنند دست بکار استقلال و خود مختاریت آذربایجان زده شاید بدین وسیله تحصیل امتیاز نفت کنند و اگر مجلس ۱۴ با آن اصرار عجیبی که داشت با روسها کنار میآید آذربایجان با این روز و من بکنج این زندان نمی افتادم وقتی از او سوال کردم که یادداشت این قسمت از نطق دکتر در دفترچه شما روی چه نظری بود پس از قدری تفکر خواست مرا سرگرم کند چون اصرار کردم چند ورق

زده در صفحه روز ۲۳ آذر ۳۲۵ چنین نوشته بود «موقع اعدام دکتر مصدق» این یادداشت های ۷ آبان را برای او می خوانم.

پس از قرائت یادداشت های کیری ساعتی در فکر بودم ولی شکر میکنم که خدای ایران اجر خادم و خائن را در مدت کوتاهی معین کرد کیری بانگ و خواری اعدام شد ولی دکتر مصدق زنده است.

دکتر مصدق می گفت: «نظریات روزنامه آتش خادمین میهن را تسلی نداد زیرا فدکارپهای این دسته از مردم برای اطاله زندگی نیست بلکه برای کیفیت آن است کیری اعدام شد و خادمین «محتضرند» الاحتضار شد من الموت» مگر اینکه بگوئیم بین دادگاه نظامی و عزرائیل فرق است»

اکنون متن نامه آقای دکتر مصدق بسفیر کبیر اتحاد جماهیر شوروی که ما از ایشان شنیده بودیم و بنا به تقاضا در اختیار نگارنده گذاشته اند در ذیل درج مینمائیم^(۱) و خیرالتخام این فصل قرار میدهیم:

۲۲ اسفند ماه ۱۳۲۴

جناب آقای ماکسیموف سفیر کبیر دولت اتحاد جماهیر شوروی

پیغام جناب عالی تو وسط یکی از هموطنان با این جانب رسید و با اینکه تا کنون در ک زبارت جناب عالی را نشودم ام از لحاظ سمتی که در ایران دارید و احترام دولت متبوع شما اجازه می خواهم که بعد از عرض معذرت از تاخیر عرض جواب که علت آن کسالت و پیش آمده های ایام اخیر^(۲) بوده است کتباً توضیحاتی عرض کنم تا در نقل قول تعریفی نشود و عرایض این جانب بدون تغییر بآن جناب برسد

راجع بنفت شمال ایران که ابتکار پارلمانی این جانب موجب بدبینی و دلتنگی ماموران اتحاد جماهیر شوروی گردید و حتی رادبوی مسکوا سناداتی باین جانب داد که استحقاق آن را ندارد لازم است

۱- این مراسم تا کنون منتشر نشده و میتوان گفت جز طریق کسی از مفاد آن آگاه بوده است
 ۲- مقصود واقعه ۱۵ اسفند است که در قسمت «اعلام جرائم بر علیه تدین و سهیلی» در این کتاب شرح آن خواهد آمد.

عرض کنم که بدلیل تاریخی و تجریبات تلخی که از امتیازات داریم موکلین من اصولاً با هر گونه امتیازی که راجع بمنابع ثروت مملکت بدو و طلبان غیر ایرانی در قلمروی ایران داده شود خوش بین نیستند و در جلسه ۱۹ مرداد ماه ۱۳۲۳ که بطور ناساگهان دولت برای سؤال بعضی از نمایندگان راجع بمذاکرات امتیاز نفت یا شرکت‌های امریکائی بمجلس آمد و یکی از اعضای فراکسیون حزب توده چنین اظهار نمود: «بنده و رفقایم با دادن امتیازات بدولت‌های خارجی بطور کلی مخالفیم هما نظور که ملت ایران توانست راه آهن خود را احداث کند یقین دارم که با کمک مردم و سرمایه داخلی مامی توانیم تمام منابع ثروت این مملکت را استخراج کنیم». چون این بیان مطابق فکر من بود لازم دانستم در اینباب مطالعات عمیق کنم و از روی مدارک نظریات خود را استدلال در مجلس بیان نمایم بنا بر این مشغول تهیه لایحه‌ای شدم برای اینکه هر وقت پیشنهاد امتیاز شرکت‌های امریکائی در مجلس مطرح شود از آن استفاده نمایم خوشبختانه ورود جناب آقای کافشار از زه بطهران سبب شد که دو طلبان امریکائی از پیشنهاد خود صرف نظر کنند و فرصتی بدست نیامد که نظریات خود را در موضوع معادن نفت ایران در مقام مخالفت با شرکت‌های امریکائی بیان نمایم وقتی که مباحثه بین جناب ایشان و کابینه ساعدعلنی شد بسیار متأسف شدم از اینکه بدوستی ایران و شوروی که برای ایرانیان عوضی ندارد خللی برسد و از محبوبیتی که اتحاد جماهیر شوروی بر اثر روبه قابل ستایش ارتش سرخ تحصیل کرده است بکاهد و چون معتقدم که اتحاد جماهیر شوروی حق بزرگی بر ما دارد و ما را از مخاطره حیاتی نجات داده است میل نداشتم ترتیبی پیش آید که از امتیاز شوروی در مجلس عنوانی بشود و این جانب از نظر مخالفت نظریاتی اظهار نمایم این بود که برای جلوگیری از چنین حادثه‌ای در جلسه هفتم آبان ۱۳۲۳ مجلس شورای ملی نطق خود را ایراد نمودم و برای اینکه راهی برای مذاکره باز شود طرحی اتخاذ و خاطر نشان نمودم که مخازن نفتی ما بدون اینکه امتیازی داده شود مورد استفاده صنایع شوروی واقع گردد

این جانب باین ترتیب تکلیف نمایندگی خود را ادا کردم و از این حیث و جدانتم آرام بودم و از قبول مقام نخست و زیری که در آن موقع با اکثریت قریب با اتفاق بمن تکلیف کردند امتناع نمودم و برای عدم قبول دلایلی داشتم که همان وقت اعلام نمودم اما قبول بفرمایید رعایت دوستی ایران و شوروی و ملاحظه اینکه مبادا با عقاید صریحی که نسبت بمسئله نفت اظهار کرده بودم روابط بین دو کشور را دچار بحران کند در تصمیم من بی اثر نبوده است. در عین حال از وقتی که کابینه وقت ساقط شد در این اندیشه بودم که کمک موثری در حل مسألت آمیز اختلاف کنم و اطلاع داشتم که می خواهند قانونی از مجلس بگذرانند که هر گونه مذاکره در موضوع نفت ایران نامدتی بعد از خاتمه جنگ موقوف و ممنوع باشد و تشخیص من این بود که متکرمین این فکر می خواهند باب مذاکره را مسدود کنند؛ در قبال این زمینه بنظر من رسید از یکی از نمایندگان مجلس که با محافل شوروی ارتباط داشت نظریات نمایندگان دولت شوروی را استفسار کنم که اگر برای معامله انحصاری خرید نفت حاضر باشند موقع مذاکرات در برنامه دولت پیشنهاد کنم و دولت آن را جزو برنامه خود نماید و وقتی که پس از مراجعه بمقامات شوروی اطمینان داد که شما فقط طالب محصول نفت ایران هستید و کیفیت تحصیل آن برای شما فرق نمی کند هنگام شور در برنامه کابینه بیانات در جلسه هفتم (۱۳۲۳) آذر ماه ۱۳۲۳ مجلس شورای ملی در ضمن نطق خود مطرحی که در مجلس قابل قبول باشد و بتواند مقصود مرا که مبتنی بر افکار عمومی ایران است و نظریات شما، هر دو را تأمین کند تهیه نمودم که منابع معدنی نفت بدست ایرانی استخراج شود و از این رو ماده اول طرح من اعطای امتیاز را بهر يك از دول و یا شرکت های خارجی منع می کند و بر طبق ماده دوم دولت می تواند با هر دولتی که طالب انحصار خرید نفت باشد و طرز استخراج آن داخل مذاکره شود و با اطلاع مجلس شورای ملی قرار دادی که مقتضی باشد

۵ - بر نامه دولت بیات در ۷ آذر ۲۳ مطرح شده و قانون تعریف امتیاز نفت در جلسه ۱۱ آذر از تصویب مجلس گذشته است.